

## بررسی مردم‌شناختی مسکن موقت مریان و روستاهای مجاور آن نمونه مطالعه شده: پوری

سلیم سلیمی مؤید

مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

salime\_salimi@yahoo.com

### چکیده

در این مقاله به فنون و روش‌های احداث مسکن موقت موسوم به «پوری» در کوهپایه تالش مرکزی، یعنی حاشیه کرگان رود جنوبی پرداخته شده است. در کنار آن موضوعات تأثیرگذار در احداث پوری برای درک بهتر ارتباط فضاها با جنسیت، مراتب اجتماعی افراد، و زمان استفاده از فضاها نیز بررسی شده است و در بخشی از نوشتار به تقسیم‌بندی فضای داخلی پوری و جانمایی فضاها اشاره شده تا معلوم شود هر کدام از فضاها مربوط به کدام شیء یا فرآورده است. علاوه بر آن برای درک بهتر، و روشن‌تر شدن موضوع مورد بحث به مسکن مشابه پوری نیز اشاره شده است. توصیف و تحلیل وضع مسکن موقت بیلاقات تالش با استفاده از روش انسان‌شناسی تکنیک انجام‌شده است. در مجموع نزدیک به سی نقطه روستایی و بیلاقی بررسی و مطالعه شد و به این منظور به طور میانگین در هر نقطه با دو تا پنج نفر مصاحبه شد. وضعیت هر یک از نقاط با استفاده از فن مشاهده دقیق، ثبت و شرایط مرتبط با مسکن موقت ارزیابی شده است. مهم‌تر آنکه در کنار پژوهش کیفی، پیمایشی کمی با استفاده از مشارکت مستقیم و نمونه‌گیری از افراد مطلع و معتمد محلی با بهره‌گیری از پرسش‌های از پیش تدوین‌شده و هدف‌دار به سرانجام رسید. به قول کوتاک ترکیبی از روش پیمایشی و مردم‌نگاری دقیق می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را در زندگی جوامع پیچیده پیش چشم ما بگشاید. هدف اصلی این بررسی‌ها مطالعات مردم‌شناسی با بهره‌گیری از دانش عامه، یافتن علل و عوامل گوناگونی است که در فقدان اسناد و مدارک مربوط به معماری و مسکن موقت مؤثر بوده‌اند. این پژوهش در روستای مریان و روستاهای پیرامون آن در کوهپایه تالش مرکزی انجام گرفته است. اگرچه امروزه آثاری از معماری پوری در محوطه‌های باستان‌شناسی مریان و طول گیلان در حوزه تالش مرکزی یافت نمی‌شود، ولی مطمئن هستیم با تلاش و دقت بیشتر می‌توان شواهدی از وجود مسکن موقت همانند پوری و نظایر آن را پیدا کرد. این پژوهش همراه با حضور در میدان تحقیق و بهره‌گیری از مشارکت و پرسش از افراد مطلع و معتمد محلی در سی نقطه مسکونی ثابت و موقت از جمله مریان و روستاهای پیرامون آن در کوهپایه تالش مرکزی انجام گرفته است. با در نظر گرفتن وضعیت اقلیمی، جغرافیایی، معیشتی، و آب و هوایی منطقه، برای ما روشن است که مسکن ساکنان اولیه این نقاط از نوع «پوری» بوده است. مواد و مصالح به‌کاررفته در آنها از جمله چوب و شاخه و برگ درختان محلی به مرور زمان از بین رفته است و همین امر باعث شده امروزه آثار ملموسی از این نوع مسکن در دست نداشته باشیم. همین قدمت و استمرار استفاده از پوری توسط ساکنان محلی باعث شده تا مردم برای هر نوع بهره‌برداری از پوری، بنا بر نیاز روزمره کارکرد، کاربرد، ساختار و شکل آن را تغییر داده و مسکن جدیدی را با نام متناسب با کارکرد به وجود آورند. این مسکن موقت کومه، تخته پوری، وزل، آووله، آلاجق، گج، قزیل، و صومیه نامیده می‌شوند.

### واژه‌های کلیدی

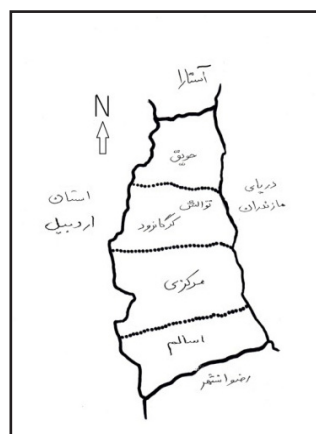
مسکن موقت، پوری، کومه، وزل، تالش، مریان.

در این پژوهش به دو گروه از روستاها و مراکز ییلاقی مراجعه شد. گروه اول روستاهایی بودند که سکونت در آنها دائمی بوده است و خانه‌ها با مواد و مصالح مقاوم ساخته شده اند و گروه دوم روستاهای ییلاقی بودند که مسکن آنها موقت است و مصالح‌شان در برابر سرما و یخبندان مقاوم نیست و در ماه‌های گرم سال مسکونی می‌شده است. سرآمد این خانه‌ها که با نام مسکن موقت خوانده می‌شوند، گونه‌ای به نام «پوری» (pouri) است. به سبب پیشینه و ساختار بومی پوری در میان مسکن موقت، سعی شده برای تشریح و توصیف آن وقت و زمان بیش‌تری صرف شود. گویا مسکن اولیه در حوزه تالش پوری بوده، که به مرور زمان دچار اندک تغییراتی شده است ولی مواد و مصالح آن هنوز از ترکه‌های درخت بلوط و گیلاس وحشی، پوست درختان جنگلی، و شاخه و برگ درختان محلی تهیه می‌شود. در تپه سیکل کاشان یکی از قدیم‌ترین محل‌های مسکونی ایران، برخی از مهم‌ترین مسکن متعلق به هزاره پنجم پیش از میلاد کشف شده است. این مسکن نسبتاً اولیه، شامل خانه‌های چوبی کوچکی هستند که از شاخه‌های درختان ساخته شده اند (کاتب، ۱۳۸۵: ۳۳۰). امروزه در آثار پیش از تاریخ مریان نشان یا نشانه‌هایی از مسکن موقت دیده نمی‌شود. زیرا مواد و مصالح آنها به مرور دچار پوسیدگی شده و از بین رفته است. تنها در حفاری گورهای محوطه پیش از تاریخ مریان در سال ۱۳۷۸ اجاقی به دست آمد که بسیار شبیه به اجاق‌های احدائی در داخل پوری است (تصویر ۱ و ۲).

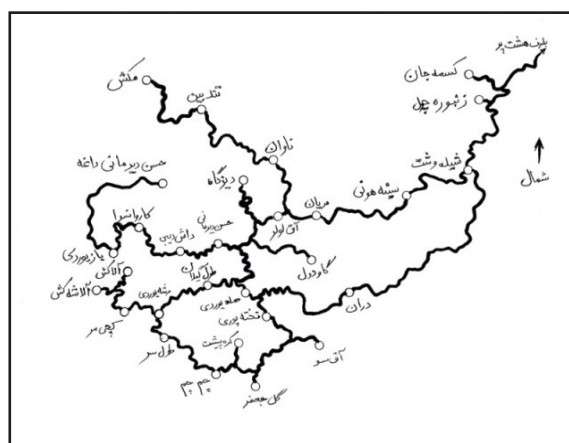


تصویر ۱. بقایای اجاق‌های پیش از تاریخ در محوطه گورستانی مریان، سال ۱۳۷۸ (عکس از: صفر هرانده).

گستره جغرافیایی این پژوهش منطقه جنگلی و کوهستانی تالش با مرکزیت روستای مریان و ییلاقات پیرامون آن است، یعنی نوار باریکی که از مرز بین گیلان و اردبیل شروع شده و تا نزدیکی شهر هشترپ ادامه می‌یابد (نقشه ۱). در این پژوهش بیش از همه مسکن موقت و ییلاقی مورد توجه بوده که عموماً با مواد و مصالحی با عمر کوتاه ساخته می‌شوند و فقط در ایام معینی از سال مورد استفاده قرار می‌گیرند. این پژوهش به صورت میدانی و با پرسش از دانایان و دست‌اندرکاران محلی مبحث معماری و سازندگان سامان گرفته است. پژوهش اولیه در دهه ۱۳۷۰ انجام شده و اطلاعات آن در چندین فصل گردآوری شده است (نقشه ۲).



نقشه ۱. نقشه شهرستان تالش (ترسیم از: نگارنده).



نقشه ۲. گستره روستاهای مطالعه‌شده (ترسیم از: نگارنده).

دامداری بنا شده و اندکی متکی بر صنایع دستی است.

## ۲. وجه تسمیه نقاط

نام هر یک از روستاها و نقاط ییلاقی به نوعی با مسکن بومی ارتباط دارد. بسیاری از نام روستاها الهام گرفته از معماری یا شکل بناهای موجود در آن روستاست. برای مثال مریان مرکب از «مر» به معنی جایگاه و مکان استقرار و «یان» به معنی کنار و حاشیه است. اهالی بر این باور اند که در کنار جاده فعلی «مریان» به سمت ییلاق، خانه‌ای موقت وجود داشته است که به مرور چند خانه دیگر در کنار آن احداث شده و در نهایت تبدیل به روستای فعلی «مریان» شده است. برخی بر این باور اند که واژه مریان از دو بخش «مر» و «یان» تشکیل شده که جزم «ر» آن به معنای آبادی است و «یان» صفت به معنای بزرگ و کلان است. درباره روستای آق اولر<sup>۱</sup> نیز به باور اهالی قبلاً اسم آن «نواد» (nöadi) بوده است. وقتی این روستا به مالکیت یکی از متمولان منطقه در می‌آید، به دستور او نمای تمام خانه‌ها را سفید کرده نام آنجا را آق اولر<sup>۱</sup> گذاشته اند. تعدد پوری‌هایی با دیوارهای تخته‌ای در روستای «تخته پوری» باعث شده نام آنجا را تخته پوری بگذارند. نام روستای کاروانسرا نیز از نام محل اطراق کاروانیان که صد سال قبل در این محل وجود داشته، گرفته شده است. ناوان در گویش محلی «ناوان» (noön) تلفظ و معنی آرد تازه می‌دهد. به روایتی در این روستا آسیابی بوده که آرد بسیار مرغوبی تولید می‌کرده است. نام روستای حسن دیرمانی نیز برگرفته از نام آسیابی بوده که متعلق به حسن بوده است.

## ۳. عوامل مؤثر بر سکونت در مریان و روستاهای مجاور آن

آنچه وضع سکونت هر منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فقط وضع اقلیمی نیست، بلکه آداب و رسوم، باورها و اعتقادات خاص هر منطقه نیز تأثیر بسیاری دارند (اخگری، ۱۳۸۴: ۸۵ و ۸۶). در مریان و روستاهای مجاور آن علاوه بر موارد فوق، عواملی چون آب و هوا، پوشش گیاهی و جانوری، خویشاوندی و نسبت‌های فامیلی، هویت محلی و منطقه‌ای، تعلق خاطر به هم‌محله‌ای، کوچ و کوچ‌نشینی و تغییر مکان،



تصویر ۲. بقایای اجاق‌های پیش از تاریخ در محوطه گورستانی، مریان، سال ۱۳۷۸ (عکس از: صفر هرانده).

## ۱. نگاهی اجمالی به منطقه

تالش یا توالتش یا تارش واژه اوستایی «تاوارش» (tâvâreš) را تداعی می‌کند که اسم مصدر به معنی آفریدن و به پیکر هستی درآوردن است. واژه آریایی «تاوارش» یا به حذف «واو» خفیف «تارش = تالش» حکایت از وجود نامگذارانی می‌کند که به یقین آریایی بوده اند (سرتیپ‌پور، ۱۳۷۲: ۱۳۴ و ۱۳۵). در متون دیگر نیز به این موضوع به کرات اشاره شده است (غدیری کفترودی، ۱۳۷۸: ۴۰). روستاهای کوچک و بزرگ در جنوب شهر هشتر پراکنده هستند که شهر را در میان گرفته اند. تالش مرکزی ناحیه‌ای کوهستانی و پرآب با دره‌ها و پوشش گیاهی مناسب است که در دیواره عظیم و مرتفع ارتفاعات البرز قرار گرفته است و از قله‌های آن می‌توان به «تیلار» (tilâr) و «کلاهونی» (kolâhouni) که افسانه‌ها و قصه‌های فراوان درباره‌شان در بین عامه مردم رواج دارد، اشاره کرد. روستای مریان از توابع بخش مرکزی شهرستان تالش است و در ۳۷ کیلومتری شمال غربی هشتر قرار دارد. مریان از نظر موقعیت جغرافیایی از شمال به روستای ناوان، از شرق به روستای سینه‌هونی، از جنوب به رودخانه و دره‌ای عظیم و اراضی جنگلی و از غرب به روستای آق اولر محدود می‌شود. اهالی مریان در اصل تالش هستند، ولی با توجه به مراودات و ازدواج با ترک‌ها به زبان ترکی هم‌آشنایی کامل دارند. انواع درختان محلی و جنگلی در این منطقه به وفور دیده می‌شوند. اقتصاد مریان بر پایه فعالیت‌های زراعی، باغداری، و

پراکندگی انسانی و نوسان جمعیتی، شغل ساکنان، و مالکیت زمین و مرتع نیز تأثیرگذار هستند.

### ۳.۱. آب و هوا

این حوزه شامل دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی است. در ارتفاعات، زمستان سرد و تابستان معتدل است. روستاهای «کسمه‌جان» (kasmajân)، «ماشین‌خانه» (mâšinxâna)، «زنپوره چول» (zanboura čol) و «شیله وشت» (weštš ilya) به علت نزدیکی به جلگه، در زمستان هوای معتدلی دارند. ولی در تابستان و بخشی از فصل بهار هوای آن گرم و مرطوب است. در ییلاقاتی مانند «مریان» (maryân)، «دیزگاه» (dizgâh)، «تخته پوری» (taxta puori)، «صله یوردی» (sala yuordi)، «طول سر» (tuola sar)، «دران» (derân)، «چمچم» (amčamč)، «گل جعفر» (gole jafar) و «کره پیش» (kera pišt) زمستان‌ها سرد و طاقت‌فرسا است، ولی در تابستان هوا خنک و مطبوع است.

### ۳.۲. پوشش گیاهی و جانوری

ابراهیمی که از دریای مازندران به سمت ارتفاعات می‌آیند، در سینه‌کش ارتفاعات منطقه گرفتار شده و مجبور به بارش می‌شوند. تداوم بارش‌ها باعث سرسبزی مراتع شده و بهشتی برای دامداران حاصل می‌شود. پوشش گیاهی منطقه شامل چمنزار، پونه، شوید، «اسپی پوزه» (espiya poaza)، «گیل‌دیک» (gildik)، «بادباد» (bâdbâd)، «دامارجه» (dâmârja)، قارچ کوهی، گلپر، گل گاوزبان، «مرزه» (marza)، و... است. انبوهی از درختان جنگلی در مناطق جلگه‌ای به چشم می‌خورد در حالی که با رفتن به ارتفاعات از تعداد آنها کم و تراکم آنها تُنک شده و نهایتاً در مناطق هم‌مرز با خلخال تعداد آنها به مقدار زیادی کم می‌شود. تفاوت پوشش گیاهی در مساکن منطقه نیز تأثیر گذاشته و دگرگونی در شکل، پلان، و مواد و مصالح به‌وضوح قابل مشاهده است. تأثیر پوشش گیاهی در تیپ مسکن بسیار زیاد است تا آنجا که وقتی از اراضی تالش به حوزه خلخال نزدیک می‌شویم با روستاهایی مانند «کلستان» (kalestân)

و... مواجه می‌شویم که مساکن‌شان کاملاً کوهستانی است با دیوارهای سنگی و بام‌های مسطح که همانند مکعب‌های به هم فشرده در هم تنیده شده‌اند. در پشت بام خانه‌های این روستاها حجم انبوهی از تاپاله‌های گاوی را مشاهده می‌کنیم که به عنوان سوخت فصول سرد سال بر روی هم انباشته شده و مخروطه‌هایی را پدید آورده است. این تاپاله‌ها نشان از طولانی و سخت بودن روزهای سرد سال دارند. با توجه به اقلیم مرطوب سواحل دریای مازندران در کلیه نقاط تالش<sup>۲</sup> به جز خط‌الرأس<sup>۳</sup>، پوشش گیاهی مانند درختان لَرگ، شیردار، کَله‌و، آزاد، انجیلی یا آسوندار، مازو، لالکی<sup>۴</sup>، انار، انجیر، آلو، گیلاس، زردآلو، اژگیل، گلابی، سیب، شمشاد، به، گردو، فندق، اوجا<sup>۵</sup>، آفرا، مَمَرز و خرما لوی وحشی آریا<sup>۶</sup> دیده می‌شود، که در ارتفاعات به تدریج گیاهان دارویی و پوشش گیاهی چرای دام جای آنها را می‌گیرند. پوشش گیاهی مناسب باعث تجمع گونه‌های متعدد جانوری در این حوزه شده است. از جانوران منطقه تالش می‌توان به ببر، پلنگ، گرگ، روباه، شغال، گراز، خرس قهوه‌ای، آهو، مارال، بز کوهی، خرگوش، سمور، راسو، و موش اشاره کرد. از پرندگان نیز می‌توان از غاز وحشی، خوتکا، مرغ غواص، مرغابی، و تورنگ نام برد (بازن، ۱۳۶۷: ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۳۲ و ۱۳۴).

### ۳.۳. رابطه خویشاوندی و هم‌محلی

پوری در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون کاربری‌های متعدد دارد. هر یک از نقاط ییلاقی و قشلاقی، مخصوص استقرار تعدادی از دامداران یا افراد جلگه‌نشین است که تابستان را در آنجا سر می‌کنند. گاهی ساکنان یک محله ییلاقی را ساکنان یک یا چند روستای جلگه‌ای تشکیل می‌دهند. در مواردی هم ساکنان محلات جلگه‌ای در ییلاق به فاصله‌ای از هم پوری احداث می‌کنند و محل استقرار آنها به همان نامی خوانده می‌شود که در قشلاق به آن معروف‌اند. ادوار پیش از تاریخ نیز یک خانه فقط یک محل مسکونی نبوده است، بلکه به عنوان یک واحد اجتماعی عمل می‌کرده است که از ترکیب آن واحدهای کوچک اجتماعی با فرهنگ

خاص خود شکل می‌گرفت (شهمیرزادی، ۱۳۷۴: ۱۵). در کنار خانه، محله و محل قرار دارد. محله فضایی است ورای کوچک‌ترین واحد اراضی و خانه مهم‌ترین واحد پیوند و تعلق افراد به جامعه و مرز و بوم است. مقیاس محل نیز بزرگ‌تر از محله است و از مجموع چند محله تشکیل می‌شود و هر محله با اسم مکان مخصوص به خود نامیده می‌شود (برمبرژه، ۱۳۷۰: ۵۱ و ۵۲). این مورد در بیلاق دران به وضوح قابل مشاهده است. گرد آمدن اعضای یک طایفه یا خویشاوندان در یک محل و احداث پوری و خانه همواره در شکل‌دهی مسکن یک مجموعه مؤثر بوده و سابقه سکونت، مراتب اجتماعی یا ریش‌سفیدی افراد در جانمایی خانه‌ها نقش دارد. وجود چند طایفه در برخی روستاها و نقاط بیلاقی باعث تشکیل یک محله شده و گاه پرچین و مرزی بین خانه‌ها و زمین‌های طوایف دیده می‌شود. برای نمونه در کسمه‌جان چهار طایفه اصلی زندگی می‌کنند، که سه طایفه جعفری، قاسمی و زینعلی، زمین و خانه‌های خود را از طایفه مرادی که از باسابقه‌ترین طوایف این روستا هستند، خریداری کرده‌اند. با این حال زمین و خانه‌های مرغوب هم اینک در مالکیت طایفه مرادی قرار دارد. محلات متأثر از خویشاوندی بیش از همه در بیلاق «دران» (derân) مشاهده می‌شود. حضور طوایف مالک زمین و مرتع در این بیلاق در برخی از سال‌ها در مقایسه با سال‌های دیگر زیاد بوده و تعداد این محلات را به چهارده پارچه محله نیز می‌رساند. مسکن محلات بیلاق دران عمدتاً شامل پوری، ورل، تخته پوری و دیگر مسکن موقت است. محلات روستای بیلاقی دران شامل «ویشه سه» (wiša sa)، «کتاهل» (ketâhel)، «بیلگودبر» (bilgudaber)، «قبره پشت» (qabera pešt)، «بیلگو» (bilgū)، «لوره سه» (lorasa)، «سیووده» (syöwada)، «کومه پشت» (kuma pešt)، «اسپی لیسن» (espilisan)، «خرمن محله» (xarman mahala)، «دران» (derân)، «ادلسیکش» (adlasikaš)، «مینه‌رو» (minarü) و «پیرمه دوله» (perma dule) می‌شود. در بین آنها محله کتاهل تنها یک پوری دارد. در خرمن محله طوایف سلیمی و فتحی زندگی کرده و این محل بر اساس طایفه به دو قسمت مجزا شده است. محله بیلگو بیش از

پنجاه خانوار را در خود جای داده و پوری‌های طوایف بدون اینکه تفکیکی بین آنها باشد، در کنار همدیگر قرار دارد. از اصلی‌ترین طوایف محله بیلگو می‌توان به شریفی، مقامی، جمالی، و بهمنیار اشاره کرد. ده طایفه در محله قبره پشت در کنار هم زندگی می‌کنند که مسکن موقت و پوری آنها از هم جدا بوده و هر طایفه حد و مرز مشخص دارد. طوایف محله قبره پشت شامل فرهادی، مجنونی، شبانی، ببری، زینعلی، میرزایی، جوادی، نادری، سلیمی، و شوقی می‌شود.

### ۴.۳. تغییر مکان

کوچ‌روها در طول زمان بیلاق گاه در یک محل و گاهی در چند محله به تفکیک طایفه یا روستای قشلاقی اقدام به احداث پوری و اقامت در آن می‌کنند. بنا بر تشخیص ساکنان قشلاقی یک روستا در دو یا چند نقطه بیلاق می‌کنند. برای نمونه برخی از ساکنان روستاهای ماشین‌خانه و کیش‌دیبی فصل زمستان را در همانجا سپری کرده، بعد از عید هر سال به بیلاق شيله وشت رفته، تا دو ماه در آنجا اطراق می‌کنند. بعد از دو ماه به بیلاق دران رفته، بین دو تا سه ماه در آنجا مانده، مجدداً بیستم شهر یورماه تا بیستم مهرماه به طرف شيله وشت طی طریق می‌کنند. این چرخه همه‌ساله تکرار می‌شود.

### ۵.۳. پراکندگی انسانی

وضع اقلیمی تالش و ارتباط آنها با مراکز ترک‌نشین ناحیه غربی و نیز مهاجرت‌ها و رفت و آمدها در طول دوره‌های مختلف سبب پذیرش زبان ترکی در بخش‌هایی از تالش شده است (فاخته‌جوبنه، ۱۳۸۶: ۳۵). به طوری که در مناطق جلگه‌ای اکثریت با تالش‌هاست ولی هر چه به مناطق مرتفع نزدیک می‌شویم برخی از گروه‌های مهاجر ترک‌زبان<sup>۷</sup> دیده می‌شوند که به طور دایم و موقت در روستاها و مناطق بیلاقی سکونت دارند. بر همین اساس بیش‌ترین ساکنان روستاهای «گاودول» (gowdul)، «سینه هونی» (sina houni)، «آق اولر» (âq ewlarâ)، «ناوان» (nâvân)، «داشدیبی» (dâšdibi) و «صله یوردی» (sala yuordi)

تالش تبار و تعدادی نیز مهاجرین ترک‌زبان هستند. هر یک از نقاط ییلاقی و قشلاقی منطقه، مخصوص استقرار تعداد معینی از تالش‌هاست. اگرچه روستای مریان خود ییلاقی جلگه‌نشینان در روزهای گرم سال است، ولی برخی از اهالی دایمی مریان در روزهای گرم (برای ییلاق کردن) به ارتفاعات بالادست روستا نقل مکان می‌کنند.

### ۳.۶. نوسان جمعیتی

در نوسان جمعیتی این نقاط وضع اقلیمی و جغرافیایی، نوع معیشت و ارتزاق اهالی مؤثر است. در غالب نقاط ییلاقی، پوری احداث می‌شود و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، ولی با شروع سرما تا نیمه اول فروردین ماه بسیاری از نقاط فاقد سکنه شده و پوری‌های بدون سکنه تا ییلاقی دوباره به انتظار کوچ‌گران می‌نشینند. شاید این نوسان جمعیت سبب شده باشد که نتوانیم تعداد دقیق پوری و ساکنان ییلاق را از منظر آمار مورد مطالعه قرار دهیم. با همه این احوال نقاط مورد مطالعه را از نظر نوسان و تحرک جمعیتی و سکونت در طی سال به شکل زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. در طول سال تعداد مساکن و خانوار در نقاطی مانند مریان، آق اولر، دیزگاه و سینه هونی ثابت بوده و تنها در زمان ییلاق تعدادی پوری یا نوع دیگر مساکن موقت به آنها اضافه شده و به تبع آن جمعیت نیز افزایش می‌یابد. برخی از مناطق ییلاقی مانند «رشه یوردی» (raša yurdi)، «گچیمیر» (gačimar)، «آق سو» (âq sō)، «باز یوردی» (yâzyurdi) و دران در ماه‌های سرد سال فاقد جمعیت بوده و در ایامی از سال نیز رفت و آمد به آنجا بسیار مشکل می‌شود. برای نمونه در فصول سرد سال ییلاق دران فاقد جمعیت است ولی در زمان ییلاق بیش از سیصد خانوار در پوری‌های آن ساکن می‌شوند.

۳. در ییلاقات تالش نقاطی وجود دارد که افراد بدون توجه به خویشاوندی و محل قشلاق سکونت کرده‌اند. این گروه صرفاً بر اساس دام و مرتع مشترک در کنار هم مستقر می‌شوند. آنها علاوه بر همسایگی، دام‌های خود را در یک گله و به نوبت به چرا می‌برند. محل احداث

تعدادی از پوری‌ها را «پشی یر» (paši yer) می‌نامند. وجود مجموعه‌ای به نام پشی ئیر باعث شده تا بسیاری از دامداران به طور مستمر در ییلاق باقی نمانند و پس از اتمام مراتع و چراگاه‌های «پشی یر» به نقاط پایین دست سرازیر شوند.

۴. در برخی نقاط ییلاقی نوع سکونت در طی سال با دیگر نقاط متفاوت است. مثلاً در سینه هونی برای ییلاق به فاصله اندکی از روستا می‌روند که عموماً در ارتفاعات و تپه‌های مجاور روستا است. ساکنان ییلاق تنها برای خرید آذوقه و دیگر مایحتاج روزمره یا شرکت در مراسم خاص به روستا بر می‌گردند.

### ۳.۷. مالکیت

ییلاق‌نشینان تالش مالک چشمه، زمین و مرتع و پوری، و مساکن دیگر هستند، بدون آن که اسناد یا قباله‌ای رسمی در دست داشته باشند. در طی ماه‌هایی که ییلاق خالی از جمعیت است، بیش تر اسباب و اثاثیه موجود در پوری برای سال بعد باقی می‌ماند بی آنکه روستانشینان به آن دستبرد بزنند. تنها با یک چپر ورودی پوری را مسدود می‌کنند تا به بقیه بفهمانند که مالک پوری در آنجا نیست (تصویر ۳).



تصویر ۳. پوری رهاشده پس از کوچ به قشلاق (عکس از: نگارنده).

مجدداً در سال جدید با بهبود آب و هوا کوچ‌گران دوباره به ییلاق آمده در اراضی و مراتع خود ساکن می‌شوند. در این خصوص دمرگان می‌نویسد: کوچ صعودی در ماه مه<sup>۸</sup> و کوچ نزولی در ماه سپتامبر<sup>۹</sup> انجام می‌گیرد. هر دسته از

شبان‌های هر اردو، در چراگاهی که سال قبل در آن زیسته اند، مستقر می‌شوند (دمرگان، بی تا: ۳۱۴).

### ۸.۳. گروه‌های شغلی

در طول زمان استقرار در ییلاق به غیر از کوه‌نشینان و چوپانان، خانواده‌های فاقد دامی که نسبت سببی یا نسبی با آنها دارند، در ییلاق مستقر می‌شوند. ولی مرتع و علفچر خود را به دیگر اقوام و خویشان دامدار خود به صورت سالانه، موقتی و عاریه واگذار می‌کنند. این گروه به ییلاق آمده، اقدام به احداث پوری می‌کنند و تا نیمه فصل تابستان و زمان برداشت برنج در آنجا مانده و با شروع برداشت برنج به سواحل و جلگه بازمی‌گردند. بر اساس نوع سکونت و شغل، ساکنان نقاط کوه‌پایه تالش را می‌توان در گروه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد.

۱. افرادی که تنها به نگهداری دام اشتغال داشته و کوچرو هستند را اصطلاحاً «چوبان» (čobân) می‌نامند. این گروه از اردیبهشت ماه تا دهم مهرماه در ارتفاعات مساکنی مانند پوری، کوچ، آووله و یا ورل احداث کرده به چرای دام در محدوده‌های از پیش تعیین شده مشغول می‌شوند. بعد از ماه مهر به نقاط پایین دست سرازیر شده و دام‌ها را در آغل نگهداری می‌کنند و گاه به کارگری مشغول می‌شوند. در نقاط دیگر گیلان جابه‌جایی دامداران برای انتقال دام‌ها به چراگاه‌های کوهستانی آنها را وادار به داشتن دو نوع مسکن کرده است (محب حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

۲. گروه دیگری از ساکنان هستند که در نقاط کوه‌پایه تالش مسکن دایم دارند. این گروه هم به کار دامداری و هم به کشاورزی در مقیاس اندک اشتغال دارند و تمام فصول را در کوه‌پایه‌ها به سر می‌برند. این عده را در اصطلاح «داغچی» (dâq čî) می‌نامند.

۳. گروه دیگری که تعداد آنها از دو گروه فوق کم‌تر است از مریان و ییلاقات آن به عنوان استراحتگاه در طول دوره ییلاق به مدت بسیار کم بهره می‌گیرند. این عده در جلگه به شغل برنج‌کاری و دیگر امور اشتغال دارند و در

کوه‌پایه به کشاورزی یا دامداری نمی‌پردازند. این گروه را کوه‌پایه‌نشینان اصطلاحاً «تولش» (töleş) می‌نامند (تصویر ۴). دمرگان تالش‌ها را یکجانشین می‌داند که در دهستان‌ها زندگی می‌کند، زمین را کشت کرده و گله‌های خود را در کوهستان‌های مجاور چرا می‌دهد (دمرگان، بی تا: ۳۱۴).



تصویر ۴. یک خانوادهٔ برنجکار در مریان، سال ۱۳۷۶ (عکس از: نگارنده).

### ۹.۳. کوچ

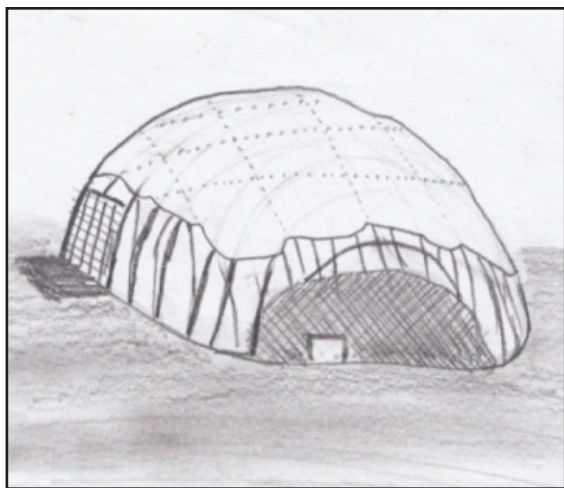
کوچ و جابه‌جایی در نقاط مشخص صورت گرفته و جنبه اقتصادی داشته و با نظم خاص طی سالیان متمادی استمرار یافته است. جابه‌جایی و تردد دامداران حوزه تالش در طول سال چنان نظم خاصی دارد که انسان را مبهوت می‌کند و به این فکر فرو می‌برد که طبیعت و داده‌های آن، ساکنان تالش را همانند برده‌ای به دنبال خود می‌کشاند. دامداران مریان و روستاهای اطراف آن به طور متوسط جابه‌جایی خود را در طول رودخانه کرگان‌رود جنوبی و حاشیه آن در بین بیست تا ۴۵ کیلومتر انجام می‌دهند. دامداران کوچرو، در کنار کوچ سالانه، اندک وسایل و نیازمندی روز خود را در این صعود و نزول به همراه می‌برند تا هر جا که لازم باشد، از آن بهره بگیرند. از این جهت جز لوازم اولیه ضروری و بسیار سبک و کم‌حجم، نمی‌توانند با خود حمل کنند. بقیه اقلام و وسایل

خود را در مساکن قشلاق که خانه‌هایی از سنگ و ملات گل، چوب و تخته و سقف شیروانی است، نگهداری می‌کنند. آنان در نقاط ییلاقی هنگام استراحت در شب، احتیاج به سرپناهی دارند و در روز برای مختصر اثاثیه زندگی خود به مسکنی نیازمند هستند که از ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع ممکن باشد. برای این منظور پوری مناسب‌ترین نوع مسکن است که با استفاده از چندین قطعه چوب باریک ساخته می‌شود. بازن می‌نویسد: «دیواره‌های ساخته‌شده با تنه درختان به‌وضوح از چوب‌بست مورب بیش‌تر هستند و تعداد زیادی از خانه‌ها روکش گلی ندارند، بام‌ها از تخته پوشیده شده‌اند که این تخته‌ها یا میخ شده‌اند و یا این که به چوب‌های سقف فرو رفته‌اند و اجباراً برای این که باد آنها را جابه‌جا نکند بر روی آنها سنگ چیده‌اند» (بازن، ۱۳۶۷: ۳۳۲ و ۳۳۳). ییلاق‌نشینانی که شغل‌شان مرتبط با کاشت برنج یا مشاغل دیگر است و به نوعی حوزه فعالیت اصلی آنها شهرهای ساحلی است، معمولاً خانه‌ای در ییلاق دارند و ابزار و وسایل اندک و ضروری زندگی را به‌طور دائم در مساکن ییلاقی خود باقی می‌گذارند و هر سال در فصول بهار و تابستان یک تا دو ماه و گاه سه ماه از سال را در ییلاق سپری می‌کنند. برنج‌کاران معمولاً فصل برداشت برنج به سواحل دریای مازندران باز می‌گردند که از نیمه دوم مرداد شروع می‌شود و تا اواخر مرداد در کنار مزارع خود مستقر می‌شوند. به باور کوه‌نشینان، «بجارکاران» (bejâr kârân) باید در ایام موسوم به «ششه ولون» (šēša valoun) به گیلان برگردند. چون در طی این شش روز خداوند فرصتی به آنان می‌دهد تا وسائل خود را در ییلاق جمع کرده به سوی نواحی جلگه‌ای نقل مکان کنند. این گروه از تالشان برای تأمین معاش، گونه‌ای از نیمه‌کوچ‌نشینانی را اختیار کرده‌اند. محتوای این شکل از تأمین معاش، دامداری آمیخته با کشاورزی است که در عصر مفرغ در برخی از نقاط خاورمیانه و مدت‌ها پیش از آن در آسیای مرکزی وجود داشته است. با این حال وجود فعالیت زراعی به عنوان عاملی اقتصادی در این گونه جوامع بر فعالیت دامداری که فعالیت اصلی آنهاست اثر می‌گذارد (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۳۹۰). این

گروه مساکن خود را به افراد کوه‌نشین که تمام سال را آنجا حضور دارند، می‌سپارند تا از مساکن و لوازم آنها در مقابل حوادث طبیعی و انسانی محافظت کنند. مساکن مربوط به این گروه که معمولاً از نقاط شهری یا محلات حومه آن به ییلاقات می‌آیند نسبت به بقیه شکل‌تر و روزآمدتر و از مواد و مصالح مرغوب‌تر انتخاب می‌شود. به بیان دیگر این عده به علت گرمای طاقت‌فرسای تابستان و شیوع انواع بیماری‌های واگیر و به‌ویژه وجود بیماری مالاریا که پشه ناقل آن در تالاب‌ها و باتلاق‌ها تولید مثل می‌کند، بخشی از سال را به نواحی کوهستانی می‌روند و در کنار ساکنان دایمی آن نقاط زندگی می‌کنند. در مریان، آق اولر، دیزگاه و گاودول از این نوع مساکن دیده می‌شود و هر روز به تعداد آنها نیز افزوده می‌شود. در حالی که هرچه به سوی ارتفاعات پیش برویم از تعداد آنها کاسته شده و در ارتفاعات بالادست که درختان جنگلی تمام می‌شوند، هیچ نوع بنا و ساختمانی که مربوط به افراد متمول باشد به چشم نمی‌خورد. در مریان و روستاهای مجاور به علت وضع خاص جغرافیایی و اقلیمی، نقاط مسکونی از لحاظ پراکندگی خانه‌ها، تقریباً متفاوت از همدیگر هستند. از جمله مسائل تأثیرگذار در پراکندگی خانه‌ها وجود رودخانه، دره، نقاط جلگه‌ای، مراتع و چشمه‌ها را می‌توان نام برد. با این حال می‌توان روستاهای حوزه مورد مطالعه را به روستاهای خطی، روستاهای پراکنده، روستاهای توده‌ای یا مجتمع، روستاهای تپه‌ای، و روستاهای هرمی دسته‌بندی کرد. در این مناطق مساکن متنوع و گوناگونی از لحاظ ساختار، مواد و مصالح، شکل، و فضاهای داخلی به چشم می‌خورد. هر چه به سوی نقاط پست و سواحل پیش می‌رویم، ساختمان‌هایی با سقف شیروانی و دیوارهایی از الوار، چوب و تخته خودنمایی می‌کنند. علاوه بر آن در نقاط ما بین ییلاق و قشلاق خانه‌هایی با دیواره‌های تیر و تخته وجود دارد که روی آنها را به وسیله کاهگل اندود کرده‌اند. در روستای شیله وشت که بین این دو ناحیه قرار دارد، ساختمان‌ها چند گونه‌اند. هم می‌توان ساختمان زمستانی و بهاره و هم پوری یافت. در ارتفاعات قبل از رسیدن به سرحد تالش و خلخال از جمله روستاهای مریان، آق اولر،

نمونه‌های شبیه به پوری در نقاط مختلف ایران از جمله در بین عشایر بلوچ نیز به چشم می‌خورد. در بلوچستان نوعی از خانه‌های چوبی به سبک پوری احداث می‌شود. با این تفاوت که چوب‌های تشکیل‌دهنده آنها نزدیک به هم قرار داده می‌شود و مخصوص سکونت انسان است. این نوع مساکن را «لوگ» (lug) می‌نامند. اجزای «لوگ» معمولاً از شاخه و برگ درخت خرماست (جانباله‌ی، ۱۳۷۲: ۲۲). شبیه پوری در نقاط دیگر خاورمیانه نیز به چشم می‌خورد که توسط گروه‌های مختلف دامدار خاورمیانه ساخته می‌شوند و بعضی‌ها با حصیر نی و یا برگ درخت خرما<sup>۱۲</sup> و بعضی دیگر در محدوده یورت آسیای مرکزی با قطعات نمد پوشانده می‌شوند و برای نامیدن آنها واژه «کومه» را به کار می‌برند (بازن، ۱۳۶۷: ۳۳۶).

پلان پوری: پوری مخصوص سکونت پلانی مدور و متمایل به بیضی دارد. در گوشه‌ای از پلان فضایی به میزان یک تا دو متر مربع به عنوان «گوچ» (göç) در یکی از اضلاع بیضی شکل پوری در نظر می‌گیرند تا مرغ و ماکیان یا بره و بزغاله و گوساله شیرخواره را شب‌ها آنجا نگهداری کنند. محلی هم برای اجاق یا بخاری در کنار در ورودی در نظر گرفته می‌شود (طرح ۱ و ۲) و (تصویر ۵).



طرح ۱. پوری دارای محل نگهداری مرغ و خروس (ترسیم از: نگارنده).

تندبین، گاودول، دیزگاه و داش‌دیپی خانه‌ها دارای دیوارهایی از خشت، سنگچین و قلوه‌سنگ هستند. گاهی دیوارها از الوار یا چوب و تخته اند که دور تا دور دیوارها را با کاهگل اندود کرده اند. در برخی نقاط علاوه بر پوری که مخصوص تابستان است، چند تیپ خانه به چشم می‌خورد. خانه‌هایی وجود دارد که با مواد و مصالح سنتی یا امروزی ساخته شده اند. بنا بر این مساکن موجود را می‌توان در شش گروه شیروانی‌دار، بام مسطح، گنبدی، جدید، دوطبقه، و موقت دسته‌بندی کرد.

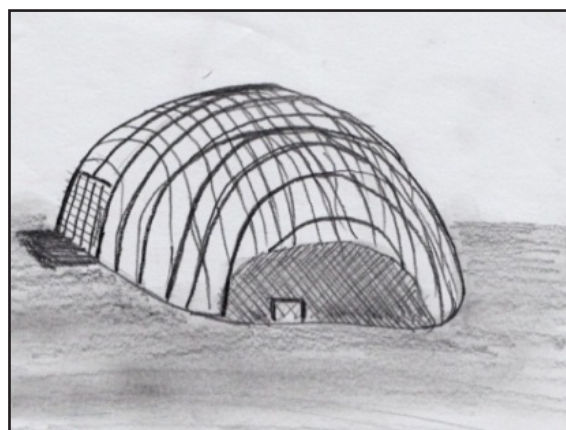
#### ۴. مساکن موقت

مساکن موقت بن‌مایه اصلی این پژوهش است. این مساکن عموماً با شاخه‌های نرم درختان جنگلی ساخته می‌شود و سقف آن، عموماً گهواره‌ای یا نیم‌گروی است. سقف‌ها نیز با شاخه و برگ، نایلون و چادر بافته‌شده از موی بز پوشیده می‌شود. رایج‌ترین این نوع مساکن «پوری» (pouri) است و از لحاظ تعداد بیش‌تر در ارتفاعات و نقاط ییلاقی به چشم می‌خورد. شکل‌های تغییر یافته آن با عناوینی چون «کومه» (kuma)، «صومیه» (sumya)، «آولوه» (âwola)، «ورل» (varal)، «گوچ» (goç)، «آلاچق» (âlâçeq) و «فزلیل» (qazil) خوانده می‌شوند.

پوری با زندگی کوه‌پایه‌نشینان هماهنگی داشته و اهالی زندگی در پوری را ترجیح می‌دهند. زیرا پوری بر اساس نیازمندی ساکنان تعبیه و طراحی شده است، تا در ماه‌های سرد و گرم سال مأمّن خوبی برای دامداران و ییلاق‌نشینان باشد. از پوری برای زندگی یا نگهداری دام بهره می‌گیرند. پوری مخصوص دام، مواد و مصالح مرغوب ندارد و صرفاً سرپناه محسوب می‌شود. پوری‌هایی که برای سکونت در نقاط ییلاقی ساخته می‌شود، بسیار مجلل و زیباست و سازندگان آن تمام هنر خود را در این راه به کار می‌برند تا پوری محکم و بادوام و زیبا شود. برپا کردن پوری نیاز به مهارت و تبحر خاص دارد. هنگام احداث پوری اگر پایه‌های پوری اشتباه یا کج نصب شود، ساختار و چهارچوب آن به هم می‌ریزد. در نقاط مختلف پوری را «پور» (por) و «پُور» (pör) هم تلفظ می‌کنند. ولی اصطلاح غالب همان واژه پوری است.



طرح ۳. نحوه بافت شاخه‌ها در دیواره پوری (ترسیم از: نگارنده).



طرح ۲. نمای یک پوری (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۶. کمند و خل تنیده در هم در روستای تخته پوری (عکس از: نگارنده).



تصویر ۵. اسکلت پوری در بیلاق دران با «گوچ» در سمت چپ (عکس از: نگارنده).

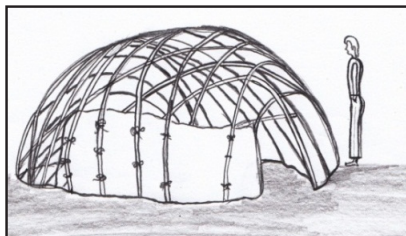
بعد از محکم کردن کمندها، رأس آنها را گرفته، سر کمندهای مقابل را هم به سمت داخل متمایل کرده و به سر کمند مقابل می‌بندند تا شکل هلالی به خود بگیرند. با بستن رأس کمندها به همدیگر اسکلت اولیه پوری شکل می‌گیرد. بعد از این مرحله چوب‌های نازک و ترک‌های معروف به خل را به صورت افقی بر روی کمندها قرار داده و محکم به همدیگر می‌بندند. فاصله خل‌ها از همدیگر در حدود ۵ تا ۲۰ سانتی‌متر متغیر است. اگر سازنده بخواهد پوری محکم و چندساله داشته باشد، تعداد و فاصله کمندها و خل‌ها را زیادتر در نظر می‌گیرد. سپس می‌بایست کمند و خل به هم بسته و محکم شوند. به فرایند بستن این دو به هم در اصطلاح «تئول» (towol) یا «توول» (tovul) می‌گویند که به چند روش انجام می‌گیرد.

الف. تئوول در واقع پوست درختانی چون «کهور» (kahör)،

آماده‌سازی زمین: بعد از آنکه محل احداث پوری تعیین شد ابتدا آن را تسطیح کرده با قطعه‌ای چوب یا گچ و زغال پلان بیضی‌شکل پوری را روی زمین مورد نظر ترسیم می‌کنند. برپایی اسکلت: بعد سوراخ‌هایی در اضلاع طولی پلان به فاصله ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر حفر می‌کنند تا ترکه بلند و هلالی شکل اسکلت پوری موسوم به «کمند» (kamand) یا «کبند» (kaband) و در برخی از متون «کمن» (kaman) (بازن، ۱۳۶۵: ۸۵) را در آن فرو کنند. در برخی نقاط «کمند» را «خل» (xol) می‌نامند. کمندها اسکلت اصلی پوری به شمار می‌روند. تعداد کمندهای یک پوری بین ۷ تا ۱۲ عدد در هر ضلع متغیر است. کمندها فقط در اضلاع طولی پوری نصب می‌شوند. طول هر یک از کمندها به ۲/۵ تا ۳ متر نیز می‌رسد. برخی تفاوتی بین کمند و چوب‌هایی موسوم به «خل» که به صورت افقی از لابه‌لای کمند رد شده و بافتی چون سبد پدید می‌آورد، قایل نیستند (طرح ۳) و (تصویر ۶).

ج. از فنون بستن خل و کمند به همدیگر، استفاده از جوانه‌های بسیار نرم و خوب درختانی است که قطع شده اند و شاخه‌های نازک موسوم به «ته» (tä) از کنده و بوته آنها رشد کرده است.

دیواره: بعد از محکم کردن خل و کمند نوبت به پوشاندن دیواره پوری می‌رسد. پوست درختان جنگلی از قبیل گیلاس وحشی و بلوط برای این کار مناسب هستند. عمر و دوام پوست درخت گیلاس وحشی بسیار زیاد و جنس آن نیز مرغوب است. برای کندن پوست درخت ابتدا قسمت مورد نظر را که معمولاً یک متر است در تنه درخت نشانه می‌گذارند بعد به وسیله داس دو قسمت بالا و پایین بخش مورد نظر را به فاصله یک متر به صورت افقی از تنه درخت خراش می‌دهند. سپس با یک شیار عمودی دو بخش را به همدیگر مربوط می‌کنند و پوست را به آرامی از تنه درخت جدا می‌سازند. بعد پوست را در فضای آزاد مهار کرده و قطعاتی از سنگ یا دیگر وزنه‌ها را بر روی لبه‌های پوست قرار می‌دهند تا صاف شود. در آخر هم پوست‌ها را دور تا دور پوری قرار داده و با استفاده از تئوول یا طناب به کمندها می‌بندند. در نقاط تالش‌زبان پوست درخت به «لو» (law) معروف است ولی ساکنان نقاط ترک‌زبان آن را «قابوخ» (qâbox) تلفظ می‌کنند (طرح ۵) و (تصویر ۸).



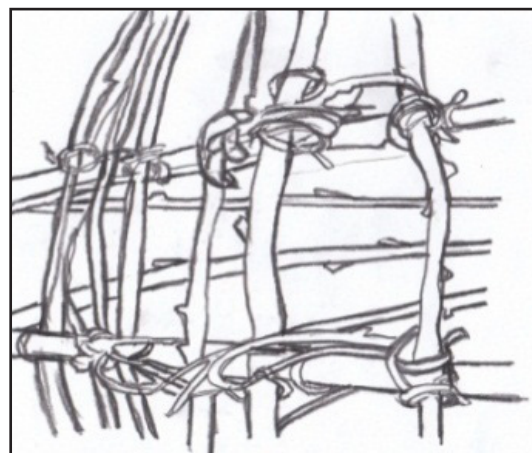
طرح ۵. استفاده از پوست درخت برای دیواره پوری (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۸. پوست درخت در گرداگرد پوری چم‌چم، سال ۱۳۷۶ (عکس از: نگارنده).

«موتال» (mötâl)، «ووزوم» (wozum)، بلوط و گیلاس وحشی معروف به «گیله بنت» (gela bent) را جدا ساخته بعد آن را به صورت نواری درآورده، می‌پیچانند تا نرم شود. بعد از چند بار پیچانیدن به دور خل و کمند آن‌ها را به همدیگر گره می‌زنند.

ب. در روش دیگر نهال باریک و بلند درختان مذکور را بریده، برگ آنها را جدا کرده و شاخه را به مقدار زیاد به طرفین می‌پیچانند تا مغز آن له شده، شاخه نرم شود. این نوع بند را «رهنز» (rahanz) نامیده از آن به عنوان تئوول استفاده می‌کنند. به روایتی طول عمر این نوع تئوول بیش از صد سال است و برای چفت و بست الوار خانه‌های دایمی استفاده می‌شود (طرح ۴) و (تصویر ۷).



طرح ۴. بستن شاخه‌ها با پوست درختان محلی (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۷. «رهنز» برای بستن «کمند» و «خل» به هم در آق‌سو (عکس از: نگارنده).

ولی هم اینک به سبب ممانعت سازمان جنگل‌ها و مراتع استفاده از پوست درختان محدود شده و از ورقه‌های فلزی استفاده می‌کنند. در این حوزه به ورقه‌های فلزی اصطلاحاً «سیم‌که» (simka) یا «سین‌که» (sinka) گفته می‌شود (تصویر ۹).



تصویر ۹. خانواده آقای علی سیفی طولی با ورقه‌های فلزی در گرداگرد پوری در بیلاق آقزبیر، ۱۳۸۰ (عکس از: نگارنده).

در بعضی نقاط همانند روستای تخته پوری (taxta) (pouri) به جای استفاده از پوست درخت یا هر چیز دیگر از تخته برای گرفتن دیواره پوری استفاده می‌کنند که این نوع پوری‌ها را تخته پوری می‌نامند. البته افرادی که وضع مالی خوبی ندارند، فقط به شاخه و برگ درختان یا خار و خاشاک اکتفا می‌کنند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. پوشاندن پوری با شاخه و برگ درختان جنگلی روستای شیشه وشت (عکس از: نگارنده).

سقف: در غالب نقاط علاوه بر «خل» (xol) از شاخه‌های درخت گیلان وحشی یا بلوط و کهور و راش نیز برای پوشانیدن و محکم کردن سقف پوری استفاده می‌شود تا فاصله بین دو خل کم‌تر شود. در بعضی نقاط مانند روستای «گاودول»

(gow dül) این شاخه‌های نازک و باریک را «چه خول» (čaxoul) و در بعضی نقاط همانند «زنپوره چول» (zanbura) (čol) آن را «شوش» (šeweš) می‌نامند. «چه خول» به دوام بنا و محکم‌تر شدن آن در مقابل حوادث طبیعی کمک مؤثری می‌کند. گاهی قبل از اینکه پوشش نهایی بر روی پوری‌های بزرگ انداخته شود، سقف آنها سنگین می‌شود و هر آن امکان شکستن کمندها وجود دارد. سازندگان برای رفع این مشکل ابتدا نقطه مرکزی داخلی پوری را تعیین کرده و قطعه سنگ مسطحی را در آنجا قرار می‌دهند. بعد سنگ را به وسیله وزنه‌ای محکم می‌کوبند تا سطح زیرین آن سخت و فشرده شود. معمولاً سنگ را هم‌سطح کف پوری قرار می‌دهند، بعد الوار چوبی به عنوان ستون بر روی آن قرار می‌گیرد. این ستون در گویش ترکی منطقه به «پایه» (pāya) و در گویش تالشی به «پوه» (pua) یا «پوآ» (pūâ) معروف است. گاهی از چوب کلفتی که سر آن دو شاخه است، به جای پایه استفاده می‌کنند. در گویش ترکی به آن «هچه» (hača) یا «هاچه» (hâče) و در تالش آن را «دوخولاچو» (doxolâčü) می‌نامند. بعد از نصب پایه، تیر چوبی دیگری که از پایه باریک‌تر است به صورت افقی بر روی پایه در رأس آن قرار می‌دهند. تیر افقی از طرفی به سقف و از طرف دیگر به رأس پایه متصل می‌شود تا سنگینی سقف به پایه منتقل شود. تیر چوبی فوق در ترکی «تیر» (tir) و در تالش «سعدو» (sadü) خوانده می‌شود. در ساخت مساکن پوری مانند بلوچستان نیز با این مشکل روبه‌رو هستند. هنگام ساخت لوگ‌های بزرگ از چوب‌های نگهدارنده به نام «تیردستک» (tir dastak) استفاده می‌کنند. در یک لوگ ممکن است تا دوازده تیردستک به کار برند (جانب الهی، ۱۳۷۲: ۲۳).

پوشش سقف: سازندگان پوری برای پوشش سقف از خار و خاشاک استفاده کرده و قلوه‌سنگ بر روی خار و خاشاک می‌اندازند تا باد آنها را نبرد. بعضی دیگر نایلون را بر روی سقف پوری انداخته، با طناب آن را محکم می‌کنند. پوشش نایلونی مورد پسند عامه مردم نیست. زیرا در هوای سرد گرم تحمل هوای داخل را غیر ممکن می‌کند. علاوه بر آن رطوبت را بیرون نمی‌دهد و ساکنان این نوع پوری‌ها بلافاصله

دچار سرماخوردگی می‌شوند (تصویر ۱۱).

دیگر پوشش‌های پوری، چادرهای برزنتی معروف به «برزن» (berezen) و «چادر» (jâder) است که تعداد آنها خیلی کم است.

تعبیه در ورودی: آخرین مرحله ساخت پوری، تهیه در ورودی پوری است. در ورودی پوری شامل سازه‌ای مستطیل شکل به صورت لته در است که از چند قطعه چوب به هم متصل شده ساخته شده و فضاهای خالی آن با کیسه یا چادر مسدود می‌شود. در نقاطی همانند روستای «طول سر» (tula sar)، درهای زیبایی به چشم می‌خورد. این نوع درها معمولاً به صورت لنگه در هستند. در حالی که در ساخت‌شان از شاخه‌های کوچک استفاده شده که همانند بافت سبد در همدیگر تنیده شده‌اند. دامداران هنگام کوچ کمند و خل را از هم باز نکرده و حمل نمی‌کنند. بلکه آنها را هنگام ترک بیلاق در محل باقی می‌گذارند و دوباره در فصل بعد آنها را تعمیر یا بازسازی کرده و استفاده می‌کنند.

#### الف. فضاهای داخلی پوری برای قرار دادن اجناس

در نقاط مختلف تالش، هر بخش از پوری مخصوص استقرار وسیله یا جنس مصرفی خاصی است. در روستاها و بیلاقات تالش، فضاهای داخلی پوری بسته به نوع بهره‌برداری، در دو زبان تالشی و ترکی با عناوین گوناگون ذکر می‌شوند.

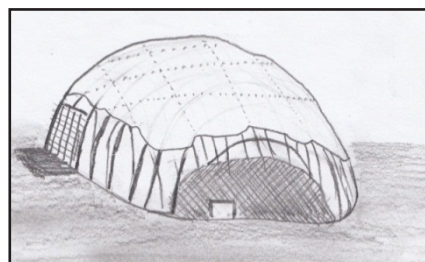
\* روستای گاودول: در روستای گاودول که بیش‌تر به گویش تالشی تکلم می‌کنند، فضاها به صورت زیر تقسیم‌بندی شده‌اند (کروکی ۱):

۱. قبه ووره (qaba wora): در این محل ظروف و اسباب پخت‌وپز قرار دارد.
۲. اوله ته ووره (olata wora): محل آویزان کردن لباس است.
۳. پله مه (pala ma): بخشی که در آن رختخواب و وسایل استراحت را قرار می‌دهند.
۴. بون سه (bowon sa): در این قسمت وسایل، اسباب، لباس و دیگر اجناس مازاد را می‌گذارند.
۵. پچه ووره (peča wora): محل قرارگیری بخاری است.
۶. آرده ووره (orda wora): محل ذخیره آرد و گاهی برنج است.



تصویر ۱۱. پوشاندن پوری با نایلون در بیلاق دران (عکس از: نگارنده).

استفاده از نم‌د برای پوشش سقف بسیار نادر بوده و خاص دامداران متمکن است. از دیگر پوشش‌ها چادرهای بافته شده از موی بز است که آن را «بز مو» (beza mü) و «قزیل» (qazil) می‌نامند. این نوع پوشش هم عایق خوبی در مقابل آب و برف و باران است و هم محافظ خوبی در برابر نور خورشید، باد و طوفان، و گرما و سرما است و هم دود و گرمای زیاد داخل را به راحتی به بیرون انتقال می‌دهد. سبکی و جابه‌جایی آسان چادر باعث شده تا دامداران هنگام کوچ مشکلی برای جمع کردن و حمل و دایر کردن مجدد آن در مرتعی دیگر نداشته باشند (طرح ۶) و (تصویر ۱۲).

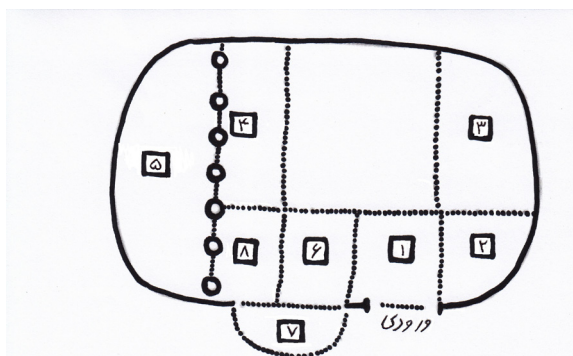


طرح ۶. پوری با پوشش قزیل (ترسیم از: نگارنده).

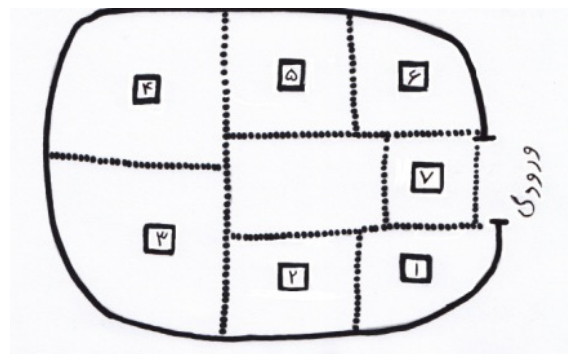


تصویر ۱۲. پوشش پوری با نایلون و بز مو روستای دران (عکس از: نگارنده).

۷. کلوشه ووره (kaloša wora): فضای بعد از آستانه که در آنجا کفش‌ها را قرار می‌دهند.



کروکی ۲. فضاهای داخلی پوری مخصوص استقرار وسایل در طول سر (ترسیم از: نگارنده).



کروکی ۱. فضاهای داخلی پوری مخصوص استقرار وسایل در روستای گاودول (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۱۳. نمونه‌ای کوچک در کنار پوری در شيله وشت (عکس از: نگارنده).

\* بیلاق طول سر: فضاهای پوری در بیلاق تالش و ترک‌زبان طول سر به شرح زیر است (کروکی ۲):

نام فضاها به گویش تالشی به ترتیب عبارت اند از: ۱. به گف (ba gaf): مقابل در ورودی و آستانه پوری است که کفش و دمپایی را در آنجا قرار می‌دهند.

۲. کچ (keč): محل قرار دادن جارو و خاک‌انداز است.

۳. بووره (bōwora): محل قرار دادن اسباب و مواد اضافه یا فرآورده‌های لبنی از قبیل ماست و پنیر است.

۴. قبه کچ (qaba keč): محل مخصوص ظروف مورد مصرف روزانه است.

۵. بون پشت (bowon pešt): در این قسمت ظروف و دیگر اسباب قرار داده می‌شود و با پرده‌ای از محل نشیمن جدا می‌شود.

۶. پوچه وره (puča wora): محل قرار دادن بخاری هیزیمی است.

۷. کیه (kia): محل اجاق پخت‌وپز است.

۸. گوچ (goč): فضای مخصوص نگهداری گوساله، بزگاله یا بره و مرغ و ماکیان است (تصویر ۱۳).

اگر ساکنان پوری ترک باشند اسامی به صورت زیر تلفظ می‌شود (کروکی ۳).

۱. قاپی آغزه (qâpi âqzi): واژه‌ای برای آستانه در ورودی است.

۲. کچ (keč): محل خاک‌انداز و جارو و وسایل اضافه است.

۳. یوک یری (yük yeri): وسایل اضافه یا ماست و پنیر را در آن قرار می‌دهند.

۴. قبه کچ (qaba keč): محل قرار دادن ظروف و وسایل آشپزخانه است.

۵. یوک دالی (yük dâli): با پارچه یا پرچین از دیگر فضاها جدا شده و تنها مخصوص وسایل غیر مصرفی و به عبارتی انبار است.

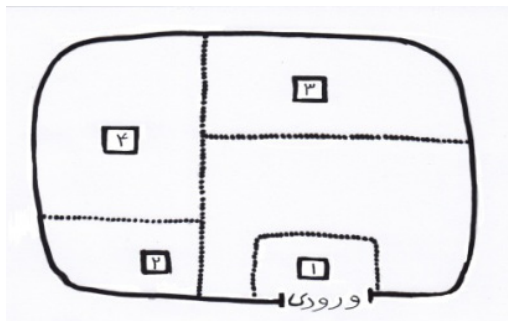
۶. پوچ یری (poč yari): محل قرار دادن بخاری است.



تصویر ۱۴. تخته پوری در حسن دیرمانی  
(عکس از: نگارنده).

\* **بیلاق دران:** بیلاق دران شامل چند محله است که با فاصله در میان دره‌ای بزرگ قرار دارند. در کنار خانه‌های دائمی دارای سقف شیروانی، تعداد زیادی پوری هم احداث کرده اند. اهالی به تالشی تکلم می‌کنند و فضای داخلی پوری را به بخش‌های زیر تقسیم می‌کنند (کروکی ۵).

۱. باووسنه (bâwosna): آستانه در پوری است.
۲. پچ وره (poč wera): محل بخاری هیزیمی است.
۳. که (ka): «که» به معنی خانه است و محل نشیمن و استراحت است.
۴. اُشبزخانه (ošbaz xâna): فضای مخصوص آشپزخانه است.



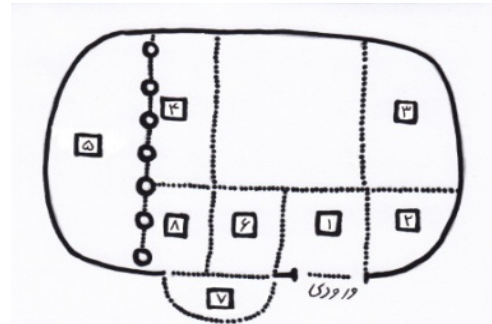
کروکی ۵. فضاهای داخلی پوری مخصوص وسایل در بیلاق دران  
(ترسیم از: نگارنده).

\* **بیلاق رشه یوردی (raša yourdi):** در این بیلاق بیش تر به ترکی تکلم می‌کنند و فضای داخلی پوری شامل قسمت‌های زیر است (کروکی ۶).

۱. قاپی (qâpi): آستانه ورودی پوری است.

۷. گوچ (goč): محل مخصوص نگهداری گوساله، بزغاله، گوسفند و طیور است.

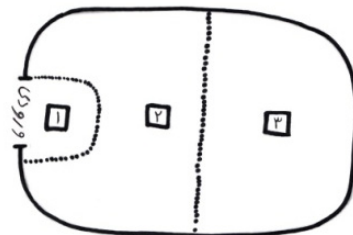
۸. کیره (kira): محل قرارگیری اجاق پخت‌وپز است.



کروکی ۳. فضاهای داخلی پوری مخصوص استقرار وسایل در بیلاق طول  
سر (ترسیم از: نگارنده).

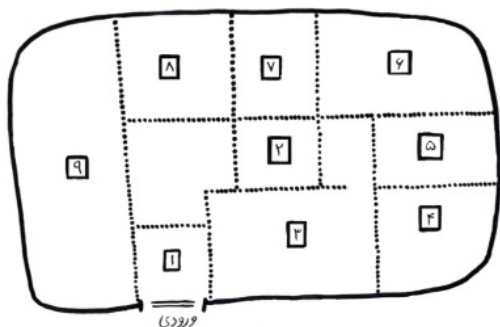
\* **روستای حسن دیرمانی:** ساکنان روستای «حسن دیرمانی» (hasan dayermâni) به ترکی تکلم و غالباً در خانه‌هایی دارای سقف شیروانی زندگی و تعداد اندکی تخته پوری برای بهار و تابستان در آن به چشم می‌خورد. فضاهای مورد استفاده در تخته پوری بیش تر محدود به نشیمن و اسباب روزانه است. وجود خانه دایمی باعث شده تا بیش تر اسباب و اثاثیه در آنجا قرار گیرد با این حال در نام گذاری فضاهای داخلی تخته پوری بیش از سه واژه به چشم نمی‌خورد (کروکی ۴) و (تصویر ۱۴).

۱. آسدانه (âsdâna): اصطلاحاً آستانه در ورودی در گویند.
۲. اتاخ (otâx): این فضا مخصوص خواب و استراحت یا نشستن است. معمولاً فاقد تزیین یا هر وسیله دیگر است.
۳. مطبخ (motbax): آشپزخانه تخته پوری محسوب می‌شود و در آن چای و غذای حاضری تهیه می‌کنند.



کروکی ۴. فضاهای داخلی پوری برای اجناس در حسن دیرمانی  
(ترسیم از: نگارنده)

۳. سکو (sakü): کمی بالاتر از سطح زمین است و محل نشستن یا قرار دادن قابلمه‌ها، ظروف غذا و هر چیزی بوده که زیاد به کار می‌رفته است.
۴. بشگه یری (bošga yeari): کف آن بالاتر از سطح زمین است و محل ذخیره و قرار دادن کیسه و بشکه پنیر است.
۵. قاب یری (qâb yeari): شبیه سکو و محل نگهداری ظروف است، مخصوصاً ظروفی که کمتر استفاده می‌شوند.
۶. متال یری (motâl yeari): محلی که در آن بشکه یا کیسه‌های پر از پنیر را قرار می‌دهند و بالاتر از سطح زمین است.
۷. صنوق یری (sanoq yeari): محل سکوماندی است که در آن اسباب و اثاثیه پوری شامل صندوق و صندوقچه را قرار می‌دهند.
۸. یوک یری (yük yeari): محل قرار دادن وسایل خواب و استراحت است و کمی بالاتر سطح زمین است.
۹. اون ئیری (own yeari): شبیه سکو است و محل ذخیره گندم و آرد است.

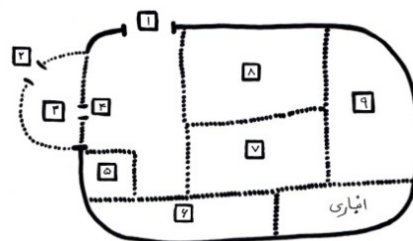


کروکی ۷. فضاهای داخلی پوری مخصوص اجناس در بیلاق آق سو (ترسیم از: نگارنده).

#### ب. فضاهای داخلی پوری برای انسان

- \* بیلاق دران: در بیلاق دران فضای داخلی پوری بر اساس سن، جایگاه و موقعیت اجتماعی تعیین و به شرح زیر است (کروکی ۸):
۱. قوناقه منزل (qonâqa manzel): اگر افراد ریش‌سفید یا مهمان محترم باشند در این قسمت می‌نشینند.

۲. گوچ قاپی (goç qâpi): در ورودی گوچ از بیرون پوری.
۳. گوچ (goç): محل نگهداری ماکیان، بزغاله، گوساله، و بره.
۴. گوچ قاپی (goç qâpi): در ورودی گوچ از داخل پوری.
۵. کلوستور (kolowstor) یا کوره (kura): اجاق پخت‌وپز و محل تأمین گرمای داخل پوری در این محل است.
۶. شئی یری (sei yeari): محل قرار دادن اشیای مورد مصرف داخل پوری است.
۷. یورقان دشک ئیری (yorqân doşak yeari): محل قرار دادن رختخواب ساکنان و مهمان است.
۸. ای لشمک یری (eilašmak yeari)، یاتماخ ئیری (yâtmâx yeari): محل نشستن، خواب و استراحت در طول شبانه روز است.
۹. تاخچه (tâxça): برای قرار دادن وسایل اضافی و کوچک اعضای ساکن پوری است و کاربردی شبیه به طاقچه دارد.



کروکی ۶. فضاهای داخلی پوری مخصوص اجناس در بیلاق رشه یوردی (ترسیم از: نگارنده).

- \* بیلاق آق سو: تقسیم‌بندی داخل پوری در بیلاق «آق سو» (âq sù), مفصل است و اعضای ساکن دائمی داخل پوری معمولاً گرداگرد بخاری را برای نشیمن و استراحت انتخاب می‌کنند (کروکی ۷). اغلب ساکنان این روستا به تالشی تکلم می‌کنند اما در زبان آنان واژگان ترکی نفوذ کرده است:
۱. آسانه (âsâna): آستانه در ورودی و محل قرار دادن کفش‌هاست و مانند سکوست و کف آن اندکی بالاتر از سطح زمین داخل پوری است.
  ۲. پیچ یری (piç yeari): محلی که در آن بخاری هیزمی یا اجاق را قرار می‌دهند. همانند سکوست و کمی بالاتر از سطح زمین است.

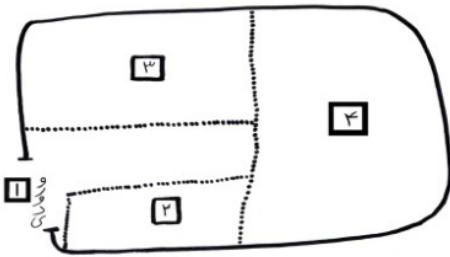


تصویر ۱۵. نمایی از بیلاق رشه یوردی  
(عکس از: صفر هرانده).

\* روستای حسن دیرمانی: در روستای حسن دیرمانی فضاها به سه بخش تقسیم می‌شوند (کروکی ۱۰):  
۱. آسدانه (âsdâna): آستانه ورودی به شمار می‌رود.  
۲. محل ایگید (eygid): «ایگید» در ترکی به جوان برومند و قوی اطلاق می‌شود. این محل مخصوص نشستن جوانان صاحبخانه در زمان استراحت و محل استقرار مهمانان جوان است.

۳. محل آق سقل (âq saqqal): در این محل مردان مسن و ریش سفید می‌نشینند. علاوه بر آن مهمان محترم مرد نیز در این قسمت می‌نشینند. «آق سقل» در ترکی به معنی ریش سفید است.

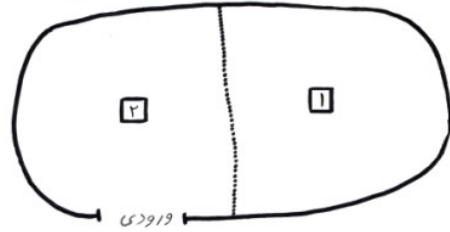
۴. محل آق بورچک (âq borçak): در ترکی زنان گیس سفید را «آق بورچک» خطاب می‌کنند و این بخش مخصوص نشستن و استراحت زنان منزل یا مهمان است.



کروکی ۱۰. فضاهای داخلی پوری مخصوص انسان در روستای حسن دیرمانی (ترسیم از: نگارنده).

\* بیلاق آق سو: در بیلاق آق سو فضای داخلی پوری برای نشستن افراد به دو بخش مجزا تقسیم می‌شود. یک بخش مردانه و بخشی متعلق به زنان است. علاوه بر آن مهمان

۲. یوله که (yola ka) یا هته که (heta ka): این بخش مخصوص نشیمن اعضا و صاحبخانه بوده و بیش تر اوقات آنان در زمان استراحت و صرف غذا در این بخش سپری می‌شود. اگر مهمانان زنان گیس سفید باشند در «فوناقه منزل» می‌نشینند و زنان جوان و دختران در «یوله که» می‌مانند.



کروکی ۸. فضاهای داخلی پوری مخصوص انسان در بیلاق دران (ترسیم از: نگارنده).

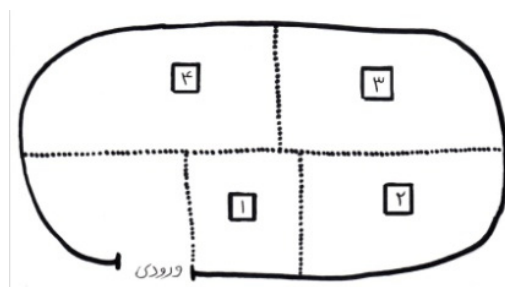
\* بیلاق رشه یوردی: در بیلاق رشه یوردی (تصویر ۱۵) محل اسکان و نشیمن زنان و مردان در داخل پوری مجزاست. بعضی از خانواده‌های متمول یا پرجمعیت، پوری مهمان و پوری صاحبخانه را به فاصله‌اندکی جدا از همدیگر می‌سازند (کروکی ۹).

۱. محل استقرار صاحبخانه است.

۲. مهمان درجه سوم در این فضا می‌نشینند.

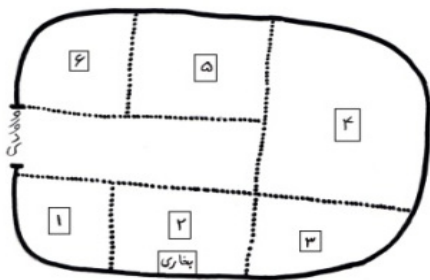
۳. مهمان درجه اول و مهم و یا ریش سفید محلی و مهمان غریبه در این محل ساکن می‌شود.

۴. جایگاهی که مهمان درجه دوم و معمولی در آن می‌نشینند.



کروکی ۹. فضاهای داخلی پوری مخصوص انسان در رشه یوردی (ترسیم از: نگارنده).

در گویش تالشی اصطلاح «پن سَنگو» (pena sangü) به جایگاه یا بخشی اطلاق می‌شود که افراد پیر در آنجا می‌نشینند.



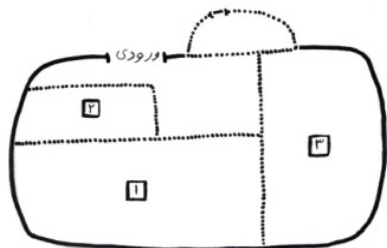
کروکی ۱۲. فضاهای داخلی پوری مخصوص انسان در روستای گاودول (ترسیم از: نگارنده).

\* روستای طول سر: در بیلاق «طول سر» که به ترکی و تالشی تکلم می‌کنند، فضاهای داخلی پوری به شرح زیر است (کروکی ۱۳):

۱. یوخاری باش (yoxâri bâš): به معنی بالای اتاق یا هر جای دیگر است و مخصوص افراد کهنسال است.
۲. اشاقه باش (âšâqe bâš): به معنی پایین دست است و این محل مخصوص افراد جوان است.
۳. ارواد منزله (ârwâd manzele): این محل مخصوص زنان است.

در گویش تالشی روستای طول سر این فضاها همان کاربری را دارد نام‌شان چنین است:

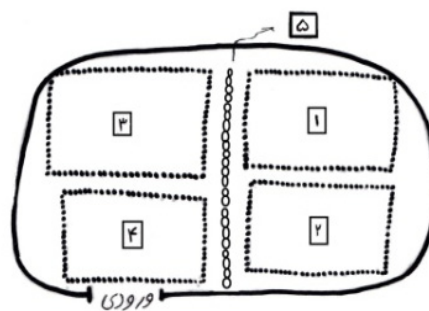
۱. پن سن (pana san): مخصوص افراد کهنسال است.
۲. قیپی (qipi): این محل مخصوص افراد جوان است.
۳. ژنه منزل (žena menzel): محل مخصوص زنان است.



کروکی ۱۳. فضاهای داخلی پوری مخصوص انسان در بیلاق طول سر (ترسیم از: نگارنده).

نیز همراه اعضای خانواده در یک پوری پذیرایی می‌شود. اعضا در کنار اجاق و بخاری می‌نشینند و پیرامون پوری را سکوهایی برای نگهداری مایحتاج روزمره و اسباب و آذوقه شکل می‌دهد (کروکی ۱۱).

۱. آق بورچک (âq borčak): محل نشستن زنان مسن و گیس سفید است.
۲. آق سقل (âq saqal): محل اسقرار افراد مهم و ریش سفید است.
۳. جایگاه قرارگیری دختران و زنان جوان است.
۴. جایگاه نشستن پسران و مردان جوان است.
۵. خط فرضی مابین زنان و مردان.



کروکی ۱۱. فضاهای داخلی پوری مخصوص انسان در بیلاق آق سو (ترسیم از: نگارنده).

\* روستای گاودول: در روستای گاودول تقسیم‌بندی داخل پوری از لحاظ مراتب اجتماعی مفصل‌تر از دیگر نقاط است (کروکی ۱۲).

- ۱ و ۶. این قسمت مخصوص دختران جوان و زنان یا تازه‌عروسان است.
۲. در این محل بخاری قرار دارد و ریش‌سفیدان یا گیس‌سفیدان در فصل سرد سال کنار آن می‌نشینند یا استراحت می‌کنند.
۳. در این بخش پسران و مردان جوان می‌نشینند.
۴. در این بخش مهمانان بسیار محترم و عزیز می‌نشینند.
۵. این بخش در فصل تابستان و روزهای گرم در اختیار افراد کهنسال است.

#### ۲.۴. کومه

«کومه» (kuma) نوعی پوری ساخته شده بامصالح نامرغوب است. قدمت احداث کومه در مناطق تالش نشین طولانی است و عمده استفاده کنندگان آن چوپانانی هستند که در ییلاق به سر می‌برند. درباره کومه و انواع آن مارسل بازن می‌نویسد: تعداد زیادی از چوپانان زمستان را مانند سایر فصول در کومه‌هایی بسیار ابتدایی‌تر می‌گذرانند که در جنوب تالش «پارگا» در مرکز «پورو» و در شمال «پوری» نامیده می‌شود. کومه‌های تخم‌مرغی و یا نیمه‌استوانه‌ای شکل دارای اسکلتی از شاخه‌های درختان هستند و با پارچه‌های تیره پوشیده شده‌اند. این پارچه‌ها را از به هم وصل کردن نوارهای بافته‌شده از موی بز درست کرده و گاهی زیر آن پارچه نایلونی نیز می‌اندازند (بازن، ۱۳۶۷: ۳۳۶). امروزه کومه در مناطق تالش نشین کم‌تر احداث شده و بیش از همه در منطقه ییلاقی گل جعفر مورد استقبال چوپانان است. ییلاق گل جعفر در سرحد خلخال و تالش است و ساکنانش به کردی تکلم می‌کنند (تصویر ۱۶).

ساخت کومه: ابتدا سه قطعه تیر عمودی را به عنوان پایه‌های کومه به فاصله دو تا سه متر از همدیگر در یک ردیف به صورت عمودی در زمین نصب می‌کنند. رأس تیرک‌ها دو شاخه است. این تیرک‌ها به «هجه» (haja) معروف است. یک تیر افقی به نام «سَر تیر» (sara tir) بر روی هجه‌ها انداخته و سر تیر را محکم به هجه می‌بندند. در ساخت کومه نیز همانند پوری ابتدا تعدادی کمند در ضلع طولی پلان کومه در زمین نصب می‌کنند. فاصله کمندها از همدیگر در حدود ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر است. سپس کمندها را به طرف داخل کومه متمایل کرده، به سر تیر می‌بندند. هنگام بستن کمند به سر تیر از سرشاخه درختان یا طناب بهره می‌گیرند که آن را «بند» (band) می‌نامند. امروزه بیش‌تر بندها را از موی بز تهیه می‌کنند. با بستن کمندها سقف کومه به شکل قوسی از نوع گهواره‌ای در می‌آید. پس از آن که کمند و سر تیر ثابت شدند، ترکه‌های نازک درخت بلوط موسوم به «تابان» (tâban) را به صورت افقی از سطح زمین تا ارتفاع سر تیر از لابه‌لای کمندها عبور داده و به شکل بافت حصیر

در می‌آورند. با اضافه کردن تابان به کمند بعضی نقاط را با استفاده از بند محکم به هم بسته و چادری که از موی بز بافته شده با عنوان «گون» (gon) روی کومه می‌اندازند و با استفاده از بند آن را به کمند و سر تیر بسته یا با میخ بزرگ و گوه چوبی در زمین‌های مجاور فرو می‌کنند تا کومه در مقابل باد مقاوم باشد.

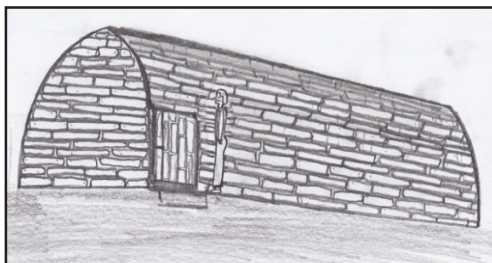
اجزای داخلی کومه: کردزبانان ییلاق گل جعفر برای هر یک از قسمت‌های داخل کومه نامی درخور کارکرد و کاربرد آن گذاشته‌اند. نام اجزای داخلی کومه در روستای ییلاقی گل جعفر چنین است (کروکی ۱۴):

۱. دری (dari): در ورودی کومه را اصطلاحاً دری می‌نامند.
۲. داریک (dârik): قطعه چوبی است که برای جلوگیری از ورود خار و خاشاک به کومه به شکل افقی در کف آستانه ورودی نصب می‌شود.
۳. رف (raf): جایگاه صفا مانند برای قرار دادن ظروف و لوازم مورد مصرف روزمره در ارتفاع ۱ تا ۱/۵ متری از سطح زمین است.
۴. لاموک (lâmuk): سکویی که روی آن لباس، لحاف و تشک‌ها را قرار می‌دهند تا از نفوذ رطوبت محفوظ باشد.
۵. اجاق (ojâq): اجاق ساده کومه برای پخت‌وپز و یا گرم کردن مورد استفاده قرار می‌گیرد و شامل چند قطعه سنگ کوچک است.
۶. هجه (haja): محل استقرار سه عدد هجه که به صورت عمودی در زمین فرو می‌روند.

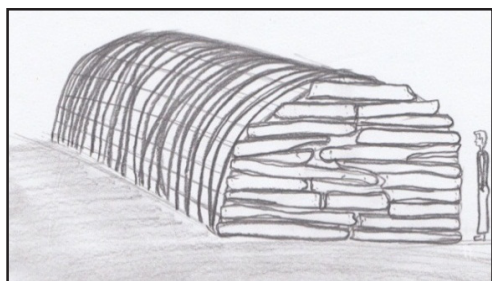


تصویر ۱۶. پراکندگی کومه‌های ییلاق گل جعفر (عکس از: نگارنده).

استفاده از ترکه‌های نازک درخت معمولاً در ساخت آن از تیرک‌های محکم در دیواره تخته پوری استفاده می‌کنند و به جای بهره‌گیری از پوست درخت در دیواره بیرونی، تخته به کار می‌برند. روستای تخته پوری بیش‌ترین تعداد تخته پوری را داراست و به همین دلیل نام روستا از این نوع خانه‌ها مأخوذ شده است (طرح ۷ و ۸) و (تصویر ۱۷).



طرح ۷. مسکن ورل با پوشش تخته (ترسیم از: نگارنده).



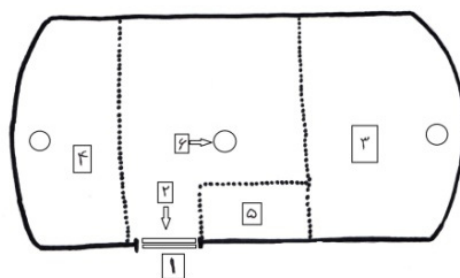
طرح ۸. نحوه تخته‌پوش کردن مسکن موقت (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۱۷. تخته پوری در بیلاق دران (عکس از: نگارنده).

#### ۴.۴. ورل

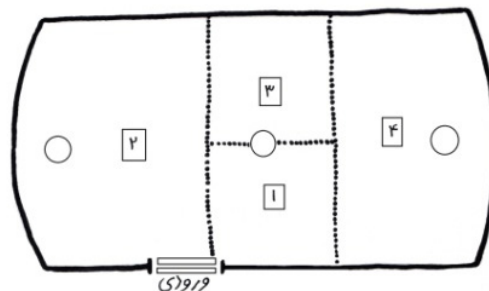
درگوبش ترکی و تالشی منطقه به بره یا بزغاله «وره» (wara) می‌گویند. بنا بر همین معنی و مفهوم، خانه‌هایی که در این حوزه برای دام ساخته می‌شود، «ورل» (waral)



کروکی ۱۴. فضاهای داخلی کومه در بیلاق گل جعفر (ترسیم از: نگارنده).

جایگاه افراد در کومه: فضاهای داخلی کومه بنا بر جایگاه و موقعیت افراد چنین تعریف شده است (کروکی ۱۵):  
 ۱. مهمانان کم‌اهمیت و به اصطلاح مهمان زیرپایی در این بخش از کومه می‌نشینند.

۲. محل نشیمن صاحبخانه در زمان حضور مهمان در کومه.  
 ۳. محل استقرار مهمان ریش‌سفید، بزرگ و محترم شامل اقوام، خویشان، غریبه یا فردی که احترام‌شان واجب است.  
 ۴. مهمان متوسط و معمولی در این بخش از کومه می‌نشینند.



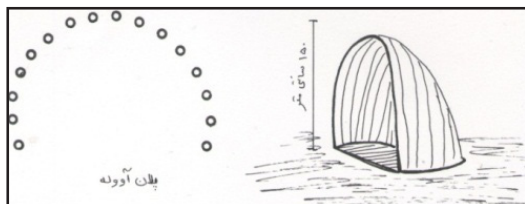
کروکی ۱۵. فضاهای داخلی کومه مخصوص انسان در بیلاق گل جعفر (ترسیم از: نگارنده).

در بین ترک‌ها و تالشان اشاره به «کومه» یا به کار بردن واژه کومه برای دعوت مهمان به خانه، در جایی که کومه وجود ندارد، نوعی تعارف است و مقصود از آن خانه‌ای است که کلبه درویشی و محقرانه خوانده می‌شود.

#### ۳.۴. تخته پوری

«تخته پوری» (taxta pouri) بسیار شبیه به پوری است و تمام شرایط و ساختار پوری را دارد. با این تفاوت که به جای

می‌پردازند و می‌خوابند. پلان هلالی شکل آووله شامل یک فضای نیم‌دایره کوچک است. در حالی که سه طرف آن را با استفاده از شاخ و برگ درختان می‌پوشانند، یک طرف آن کاملاً باز است. فضای مفید داخل آووله به طور متوسط دو متر مربع است. سقف بیضی شکل آووله را با نایلون<sup>۱۳</sup> یا شاخه و برگ درختان و علف‌های خودرو می‌پوشانند (طرح ۹) و (تصویر ۱۹).



طرح ۹. طرحی از یک آووله (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۱۹. آووله در روستای طول گیلان (عکس از: صفر هرانده).

#### ۴.۶. آلاچق

«آلاچق» (âlâçeq) یا «آلاچق» (âlâjeq) به گونه‌ای از مساکن موقت اطلاق می‌شود که بسیار شبیه چادرهای مسافرتی سیاحان و افراد شهرنشین است. این نوع چادر به وسیلهٔ میله آهنی استوار می‌شود و پوشش آن نوعی پارچه ضخیم موسوم به برزنت است که در گویش محلی آن را «برزن» (berezen) می‌نامند. آلاچق‌های این منطقه را نباید با آلاچق‌های رایج در سایر نقاط ایران به خصوص دشت مغان و شاهسون‌ها مقایسه کرد. زیرا تفاوت‌های زیادی هم از نظر شکل و هم از نظر کاربرد و مصالح با هم دارند و فقط نام‌شان شبیه یکدیگر است. آلاچق‌های موجود در حوزهٔ مریان بسیار ساده‌اند و بدون هیچ‌گونه پیچیدگی و با مصالح ابتدایی احداث

نامیده می‌شود. ساختار و مصالح ورل مانند دیگر مساکن موقت است. تفاوت آن با دیگر مساکن موقت در انتخاب پلان است. ورل به منظور نگهداری دام و احشام ساخته می‌شود. ولی قسمتی از فضای داخلی آن با پرچین جدا می‌شود و چوپان و خانواده او در آن زندگی می‌کنند. ورل دارای پلانی مستطیل‌شکل بوده و طول آن گاهی به ۱۰ تا ۲۰ متر نیز می‌رسد. ورل به دلیل ساختار خاص و نوع پوشش چادری تا مدت‌ها می‌تواند مورد استفاده چوپان و خانوادهٔ او قرار گیرد. در بسیاری از روزهای سرد سال چوپانان گلهٔ خود را در بخش مخصوص دام ورل نگه می‌دارد. به سبب نزدیکی محل زندگی دام و چوپان، در صورت روشن کردن اجاق یا پخت‌وپز و تهیهٔ نان، گرما به قسمت دیگر ورل نفوذ می‌کند و دام‌ها احساس سرما نمی‌کنند. این نوع مساکن بیش از همه در منطقهٔ بیلاقی دران دیده می‌شود. در برخی منابع این نوع مساکن موقت «ولر» خوانده شده است (بازن، ۱۳۶۵: ۷۸) (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸. نمونه‌ای از ورل در روستای طول گیلان (عکس از: نگارنده).

#### ۴.۵. آوولا

«آوولا» (âwolâ) یا «آووله» (âwola) از مساکن کاملاً موقت است که ساختاری بسیار ساده و پیش پا افتاده دارد. آووله معمولاً به صورت موقت و برای چند روز یا چند هفته احداث می‌شود. این مآمن مخصوص چوپانان و کشاورزانی است که در کنار مزارع و مراعات و چراگاه‌های تابستانی در ساعات بیکاری، هنگام بارندگی، باد، سرما و گرما و شب در آن به استراحت

#### ۹.۴. صومعه

در نقاط مختلف صومعه را «صومیه» (somya) یا «جومه» (jume) نامیده اند و مقصود از آن خانه محقر و موقتی است که اسکلت آن چند قطعه چوب با پوششی نایلونی است. این نوع مسکن بیش از آنکه وجه فیزیکی اش اهمیت داشته باشد، وجه عاطفی اش مهم است برای تعارف و دعوت رهگذر یا مهمانی که در مقابل منزل ایستاده و به داخل نمی آید. صومعه بیش از همه مرتبط با دکه‌ها و مغازه‌های بین‌راهی یا مأمنی برای چوپانان بوده است و گاهی نیز بر سر جالیز و مزارع احداث می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

در این پژوهش قصد نگارنده آن بوده که به مسکن موقتی که به دست تالشان در ییلاق ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد، بپردازد. بسیاری تصور می‌کنند که اقلیم خاص مناطق ییلاقی تالش و فراوانی چوب ساکنان آن را (از گذشته تاکنون) به استفاده از چوب در بناها تشویق کرده است و باعث شده تمایل آنها به استفاده از مواد و مصالح دیگر کاهش یابد. از آنجا که نمونه مطالعاتی این پژوهش مسکن موقت پوری بود، ناگزیر به مسکن موقت دیگر که از پوری الهام گرفته یا ساختار و کاربردشان متأثر از پوری بود، نیز پرداخته ام. به همین خاطر در مواردی به نظر می‌آید بحث طولانی و گاه خارج از موضوع شده است. در ساخت پوری‌ها بیش‌تر استفاده شبانی و دامداری مد نظر است و عموماً در مناطق ییلاقی و مراکز پرورش دام احداث می‌شوند. اگر چه هدف از ساخت پوری و مسکن شبیه به آن مانند آووله، ورل، قزیل، گوچ و... در وهله اول اقامت چوپان بوده است ولی شاهد هستیم که کاربرد مناسب این قبیل مسکن باعث شده تا خانواده‌های دامداران نیز در مواقعی از سال در آن سکنا بگیرند و آن را به عنوان مسکن خود انتخاب کنند. پوری‌ها دارای پلانی بیضی‌شکل هستند که در داخل آن فضاهایی برای انسان و وسایل دیگر، نانوشته تبدیل به عرف شده است. جایگاه نشستن افراد در پوری بسته به سن و جایگاه و مراتب اجتماعی و جنس افراد متفاوت است و در مورد اقلام و اجناس نیز چنین قانونی وجود دارد. در مواردی

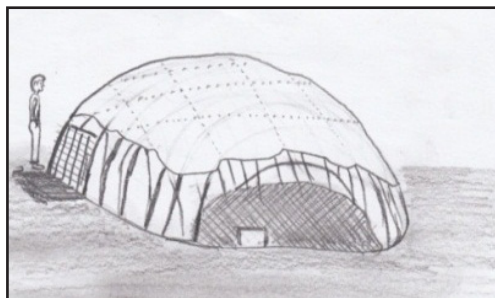
می‌شوند و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. در حالی که سازه آلچیق‌های شاهسون‌ها متشکل از تعدادی میله چوبی کم‌اندکی شکل، چوب نیم‌کروی، طناب‌های پشمی و نقوش‌دار، و میخ‌های فلزی و چوبی است (جدید مغالو، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

#### ۷.۴. گوچ

«گوچ» (göç) نوعی مسکن با ساختاری از شاخه و برگ نامرغوب است. این نوع بناها همانند پوری پلان کوچک و بزرگ دارند و مخصوص نگهداری دام هستند. گوچ شبیه ورل ولی در مقیاس کوچک‌تر است. برخی نام آن را «گاچ» یا «گاچه» هم ذکر کرده اند (بازن، ۱۳۶۷: ۳۳۷).

#### ۸.۴. قزیل

«قزیل» (qazil) از مسکن موقتی است که پوشش آن از چادر بافته‌شده از موی بز است. از این مسکن در زمستان و تابستان بهره‌برداری می‌شود. موی بز باعث می‌شود تا آب در داخل چادر نفوذ نکند. در نقاط مختلف آن را «بز مو» (beza mü)، «قزیل چادر» (qazil çâder)، و قزیل می‌نامند (طرح ۱۰) و (تصویر ۲۰).



طرح ۱۰. پوری با پوششی از چادر موسوم به قزیل (ترسیم از: نگارنده).



تصویر ۲۰. پوری با قزیل و پرچین دام‌ها در طول سر (عکس از: نگارنده).

ناوان: آقای کتاب وهابی و آقای غلام وهابی؛ از آق سو: آقای علی سیفی طولی؛ از آلاشه‌کش: آقای احمد امانی؛ از داشدیبی: آقای پرویز آجودانی و همسر گرامیشان خانم عالم‌تاج آجودانی؛ از دران: آقای رجبقلی فتحی، خانم مرجان فتحی، آقایان رامین و شهاب سلیمی؛ از رشه یوردی: آقایان محرم و نظام جعفرنژاد؛ از ییلاق طول سر: خانم قزخانم ملکی و آقای اکبر پورنعمتی؛ از کاروانسرا: خانم باجی حیدری و آقای عسگر حیدرنژاد؛ از کسمه‌جان: آقای چنگیز جعفری؛ آقای فیض‌الله مرادی و آقای شاهپور وطن‌دوست؛ از گل جعفر: آقای امیر علی آقایی.

### پی‌نوشت‌ها

۱. خانه‌های سفید
۲. دامنه‌های شرقی
۳. ارتفاعات بیش از ۰۰۰۲ متری
۴. لیلکی
۵. سَمَد/ سیمت
۶. اوایل تابستان
۷. امروزه از بومیان منطقه محسوب شده و به عبارتی بومی شده اند.
۸. اردیبهشت
۹. مهر
۱۰. برنج کاران
۱۱. از پانزدهم تا بیست و یکم مردادماه
۱۲. «تودا» در هندوستان جنوبی، «گودار» در هامون سیستان، «بشاگرد» در جنوب ایران، عرب‌ها در عراق سفلی.
۱۳. در مواقع بارندگی
۱۴. اگر نبودند دوستان مهربان و همراهانی چون میزبان عزیزم آقای شیرین علی جاهد مریان که در این پژوهش بیتوته و پذیرایی مرا تقبل کرد و اطلاعات فراوان در اختیارم گذاشت و مرحوم فرهاد احمدی که پا به پای اینجانب راه سپرد و به عنوان راهنما و بلد محلی بسیاری از نقاط ییلاقی را نشان داد، این پژوهش به سرانجام نمی‌رسید. به بیان دیگر منابع اصلی اینجانب تالشی‌های عزیز هستند. از تمامی عزیزانی که در روستاها و ییلاقات تالش به بنده کمک کرده اند، چه آن عزیزانی که نام آنها در این مختصر ذکر شده و چه عزیزان و همراهانی که به علل مختلف از ذکر نام خود امتناع ورزیده اند، قدردانی و تشکر می‌کنم و برای یکایک آنان آرزوی بهروزی و تندرستی دارم و برای رفتگان دیار باقی طلب آموزش می‌کنم.

برخی از جایگاه‌ها در تمام نقاط به یک شکل است. مثلاً در غالب نقاط افراد ریش‌سفید و مهمان در بالای پوری جای می‌گیرند و جوانان در انتها می‌نشینند. البته در برخی نقاط ییلاقی پوری زنان و مردان از هم مجزا بوده و در مواردی هم یک پوری مرتب و آماده در کنار دیگر پوری‌های موجود برای مهمان در نظر گرفته می‌شده است که از نظر مواد و مصالح و اشیاء و تزیینات از دیگر پوری‌ها بهتر و مرغوب‌تر بوده است. در برخی از پوری‌های چوپانان برای دام‌های کوچک یا تازه متولدشده که نیاز به مراقبت بیش‌تر دارند هم فضایی در نظر گرفته شده است. پوری‌ها فاقد هرگونه تزیین هستند و تمام موارد و مصالح به‌کاررفته در آن از محیط پیرامون تهیه می‌شده است. با این وجود در پیدایی پوری جغرافیا، معیشت، آب و هوا، اقلیم، تغییرات فصلی، اقتصاد، و ... نقش داشته است. از امتیازات این نوع مساکن، بومی بودن آن است و چون توسط اهالی بنا بر نیاز به وجود آمده پس می‌تواند سالیان دراز مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در مواردی هم بر اساس نیاز توسط افراد بومی دچار تحول شده و روزآمد شود. تنها چیزی که موجودیت پوری‌های موجود را تهدید می‌کند هجوم و نفوذ فرهنگ شهرنشینی و شهرزدگی است که در قالب ظهور مساکن جدید و شیک، بیننده را به سوی خود جلب و جذب می‌کند.

### منابع شفاهی<sup>۱۴</sup>

از مریان: آقای شیرین علی جاهد مریان، آقای سیاب قدرتی، آقای جبرائیل دلاوری و همسر گرامیشان فاطمه دلاوری، آقای داوود (مهران) طاهری، آقای مهدی نوروزی، شادروان محب‌الله جاهد مریان و شادروان فرهاد احمدی و خانم گلشن پورعباسی و خانم گل صنم زاهدی؛ از آق اولر: شادروان شیخ قربان مجیدی و آقای مرحمت عسگرزاده؛ از تندبین: آقای فتح‌الله ایزدی؛ از حسن دیرمانی خانم هاجر سیف‌الهی؛ از دیزگاه: مرحوم اژدر اسلامی؛ از زنبوره چول: آقای آتان کیشی سلطانی، آقای رمضان سلطانی و کیشی‌لو سلطانی؛ از سینه‌هونی: مرحوم یونس علمی؛ از شیله وشت: آقای پرویز سلیمی؛ از صله یوردی: آقای روح‌الله اسدی دخت (چنگیز)؛ از گاودول: آقای میرعلی پورفتحی و آقای فرض‌الله فتحی‌پور؛ از

## منابع مکتوب

- اخگری، محمد و ابراهیم امیرکلایی. (۱۳۸۴). «سقانفار یادمان مذهبی و سنتی مازندران». در *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*، ش ۵ و ۶، ص ۸۵-۱۰۸.
- بازن، مارسل. (۱۳۶۷). *طالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران*. ترجمه دکتر مظفر امین فرشچیان. ج ۲. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- بازن، مارسل و کریستیان برمبرژه. (۱۳۶۵). گیلان و آذربایجان شرقی. با همکاری اصغر عسگری خانقاه و اصغر کریمی. ترجمه مظفر امین فرشچیان. تهران: نشر توس.
- برومبژه، کریستیان. (۱۳۷۰). مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان. ترجمه علاءالدین گوشه‌گیر. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۷۹). *ترکمن‌های ایران*. تهران: نشر پاسارگاد.
- جانب الهی، محمدسعید. (۱۳۷۲). *گزارش مسکن سنتی عشایر بلوچ*. تهران: سازمان میراث فرهنگی (چاپ‌نشده).
- جدید مغالو، شهرزاد. (۱۳۹۲). *آلاچیق معماری انعطاف‌پذیر*. تهران: نشر پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- دمرگان، ژاک. (بی تا). هیئت علمی فرانسه در ایران «مطالعات جغرافیایی». ترجمه و توضیح کاظم ودیعی. ج ۱. تبریز: نشر چهر.
- سرتیپ پور، جهانگیر. (۱۳۷۲). ریشه‌یابی واژه‌های گیلکی و وجه تسمیه شهرها و روستاهای گیلان. رشت: گیلکان.
- سلیمی مؤید، سلیم. (۱۳۷۸). *گزارش فرهنگ مردم کوهپایه تالش مرکزی*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- ----- (۱۳۸۰). *گزارش معماری و مسکن در کوهپایه تالش مرکزی*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- ----- (بهار ۱۳۸۰). «مریان؛ قدیمی‌ترین روستای تالش». در *گردشگری*، ش ۹، ص ۴۶-۴۹.
- ----- (زمستان ۱۳۸۰). «معماری و مسکن در کوهپایه تالش مرکزی» *مطالعات مردم‌شناسی* (بخش اول). در *مجله تحقیقات تالش* «فصلنامه علمی - پژوهشی ویژه تالش‌شناسی»، ش ۲، ص ۲۸-۵۱.
- ----- (بهار ۱۳۸۱). «معماری و مسکن در کوهپایه تالش مرکزی» *مطالعات مردم‌شناسی* (بخش دوم). در *مجله تحقیقات تالش* «فصلنامه علمی - پژوهشی ویژه تالش‌شناسی»، ش ۳، ص ۱۸-۴۵.
- غدیری کفتروودی، غلام. (زمستان ۱۳۷۸). «وجه تسمیه نام‌های دریای مازندران». در *فصلنامه فرهنگ گیلان*، ش ۴، ص ۳۵.
- فاخته جوینه، قربان. (۱۳۸۶). *نگاهی به گیلان زمین*. تهران: لوح رزین.
- کاتب، فاطمه. (۱۳۸۵). «معماری داخلی خانه‌های ایرانی». در *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. ج ۴. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ص ۳۲۱-۳۴۳.
- کوتاک، کنراد فیلیپ. (پائیز ۱۳۸۴). «اخلاق و روش در انسان‌شناسی فرهنگی». در *فصلنامه انسان‌شناسی*، ش ۱، ص ۹۸-۱۲۲.
- محب‌حسینی، محدثه. (پائیز و زمستان ۱۳۸۳). «بررسی انسان‌شناختی تحولات مربوط به مرزهای قومی در یکی از مناطق روستایی شمال ایران». در *نامه انسان‌شناسی*، ش ۶، ص ۱۱۷-۱۴۶.
- ملک شه‌میرزادی، صادق. (۱۳۷۴). «نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در شکل‌گیری خانه‌های مسکونی کهن ایران: روستای پیش از تاریخ زاغه». در *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. ج ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۱۳-۲۵.